

### تشخیص همه جهات خطر

مناسبات بحرانی جمهوری اسلامی و آمریکا وارد یکی از تند پیچ های مخاطره آمیز خود شده است. همه شواهد حکایت از حساس بودن وضعی دارد که در همین حال با ابهامات مربوط به پشت پرده همراه است. این اوضاع بحرانی در صورت تشدید، میتواند عواقب شومی برای مردم ایران و یکپارچگی کشور در پی داشته باشد. حول این بحران، صف آرای نیروهای سیاسی منطقه ای هر روز بارزتر میگردد و نیز بر بستر همین بحران، بخش هایی از اپوزیسیون رژیم به سمت و شیوه هایی کشیده میشوند و حتی برخی ها روی این بحران و به حساب آمریکا سرمایه گذاری میکنند. در چنین شرایطی چاره اندیشی برای مهار این بحران به سود مصالح کشور و منافع مردم، در خدمت رشد طبیعی و منطقی جنبش دموکراتیک مردم علیه رژیم و تأمین رابطه متکی بر منافع ملی ما بیش از هر زمان مطرح و ضروری است و هوشیاری دوچندان را از نیروهای مسئول اپوزیسیون می طلبد.

ما در شماره های اخیر نشریه کار، با انعکاس رخدادهای مهم مربوط به اوضاع منطقه و بویژه خلیج فارس و مناسبات روبه و خامت بیشتر غرب با جمهوری اسلامی، کوشیده ایم تا روندهای مربوط به این تحولات سیاسی را بازتاب دهیم. اکنون با ورود رسمی بیل کلینتون به کاخ سفید، سؤال مرکزی در همه محافل سیاسی این است که از این پس، مناسبات بحرانی با جمهوری اسلامی در کدام مسیر طی طریق خواهد کرد؟

با آنکه جایگاهی اخیر قدرت سیاسی در واشنگتن میتواند و نمیتواند منوز هم میتواند محمل و فرصتی برای تغییر در روابط با جمهوری اسلامی باشد، اما در عمل جو حاکم همچنان جو تخصیص است. در جمهوری اسلامی حتی پیش از معلوم شدن نتایج انتخابات در آمریکا، نحاشی علیه "دار و دسته جدید" و تأکید بر تداوم خصومت و به گفته کسانی از رژیم حتی بیشتر و قاطع تر از قبل، میدان گرفت و در مقابل، رئیس جمهور منتخب آمریکا و همکاران نزدیک او هم طی چندین مصاحبه و هم در عمل نشان میدهند که برای تحکیم موقعیت آمریکا در منطقه و رسیدن به منافع آن در ایران، آماده تداوم تشنجات در منطقه و حتی ایجاد ماجراهای جدید هستند. در حال حاضر، طرفین در فکر تدارک حمله و ضد حمله بیکدیگر هستند.

برای آمریکا که مدعی داشتن منافع حیاتی در آبهای ساحلی کشور ما است و در این منطقه حضور سنگین سیاسی و نظامی دارد، تهدید جمهوری اسلامی و تأکید بر تحریکات و ماجراجویی های آن، مسلماً یک تهدید لفظی و تو خالی نیست. این تهدیدها میتواند بیکباره در شکل خطرناکترین حوادث چهره کند. هم اینک بر زمین ماجراجویی ها و اخلال آفرینی های رژیم که آشکارا به موازین بین المللی دهن کجی میکند و چهره هناد از خود نشان میدهد، در سطح بین المللی و منطقه فشار سنگینی روی جمهوری اسلامی تمرکز یافته است. واشنگتن با هدف حداقل به راه آوردن جمهوری اسلامی و حداکثر در هم شکستن آن، فقط به بسیج کشورهای فریبی و کشاندن آنها به موضع تاکتیکی خود علیه رژیم بسنده نمیکند؛ تنها به ایجاد جبهه ای از اهراب در برابر جمهوری اسلامی و نیز سمت دادن عضوهای هر چه بیشتر سازمان ملل به اتخاذ موضع تند علیه رژیم تهران اکتفا ندارد؛ بلکه همراه با دیگر متحدین غربی خود با تبلیغاتی از این دست که جمهوری اسلامی بمب اتمی دارد، دریایی از سلاح در اختیارش است، بنیادگرا است و محل امنیت در خلیج فارس، خاور میانه، آسیای میانه و شمال آفریقا میباشد، افکار عمومی را از نظر روانی آماده میکند. علاوه بر همه اینها، آمریکا ملهم از تجربه خود در عراق در اندیشه بهره گیری از بخش هایی از اپوزیسیون نیز است. و در بخشی از اپوزیسیون هم البته با انگیزه های مختلف و به درجات متفاوت نوعی از شتاب و دستپاچگی برای نزدیکی با آمریکا مشاهده میگردد و از سوی بعضی ها حتی در عمل پیوستن به نقشه های آن دیده میشود.

این همه در حالیکه که خطر درگیری و آتش فروزی در منطقه میزبان خرید تسلیحات در خاور میانه

### میزان خرید تسلیحات در خاور میانه

موسسه تحقیقات بین المللی صلح سوئد، آمار را در مورد خریدهای تسلیحاتی کشورهای خاور میانه انتشار داد. مطابق این آمار طی ده سال گذشته کشور عراق ۲۱ درصد از تولید ناخالص ملی خود را صرف خرید تسلیحات کرده است. در مورد جمهوری اسلامی بدون ذکر منابع مورد استفاده، این رقم بطور متوسط ۱/۶ درصد اعلام شده است. بر اساس آمار مزبور، بین ۱۵

## بمباران مجدد عراق توسط آمریکا و متحدانش

● در حملات موشکی آمریکا به بغداد دهها نفر کشته و زخمی شدند

● وزیر خارجه فرانسه: بمباران موشکی عراق "اقدامی آمریکایی" و خارج از چارچوب مصوبات شورای امنیت بود

از سوی دیگر بود. در حملات موشکی علیه بغداد فرانسه و انگلیس شرکت نداشتند. پیش از این حمله هواپیماهای نظامی متحدین در چند نوبت خاک عراق در در منطقه "پرواز ممنوع" جنوب عراق بمباران کرده بودند، که این حملات نیز دهها نفر کشته بجای گذاشت و دو هواپیمای نظامی عراق نیز سرنوشت کردید. حملات نظامی متحدین علیه عراق به بهانه تحریکات نظامی عراق در "منطقه پرواز ممنوع"، از جمله استقرار موشکهای ضد هوایی و امتناع عراق از تضمین امنیت پرواز بازرسان سازمان ملل که برای نظارت بر نابودی سلاحهای کشتار جمعی عراق به این کشور سفر می کنند، صورت گرفت. برخی تحریکات از جانب عراق در منطقه مرزی با کویت و ورود عراقیها به خاک کویت و نیز خودداری از تخلیه تعدادی از پاسگاههای مرزی که ظاهرأ بنا به حدود مرزی

هفته گذشته درست در همین سالگرد آغاز جنگ خلیج فارس، نیروی دریایی آمریکا در یک حمله سنگین و بدون هشدار قبلی ۳۳ موشک "کروز توما هاوک" از ناوهای خود مستقر در آبهای خلیج فارس و دریای سرخ، به سوی بغداد شلیک کرد. موشکهای کروز مورد استفاده در این حمله هر کدام حامل کلاهکهای انفجاری بوزن ۴۵۰ کیلوگرم بودند که خسارات هنگفت و تلفات انسانی زیادی ببار آورد. در این حملات، راکتی نیز به هتل الرشید بغداد اصابت کرد که نزدیک به ۳۰ کشته و مجروح بجای گذاشت. پنتاگون هدف این حمله را انجام یک پایگاه اتمی عراق در نزدیکی بغداد اعلام نمود و اصابت موشک آمریکایی به هتل الرشید را رد کرد.

این حمله آخرین اقدام نظامی دولت آمریکا علیه عراق در تشنج سه هفته ای اخیر میان عراق از یک سو و آمریکا و انگلیس و فرانسه

تعیین شده توسط شورای امنیت در داخل خاک کویت قرار دارند، از جمله موجبات بالاگرفتن بحران اخیر بود.

شورای امنیت با صدور قطعنامه ای این اقدامات عراق را محکوم کرد و جرج بوش تهدید نمود که با "تحریکات عراق" مقابله خواهد کرد. رژیم عراق اعلام کرده بود که ممنوعیت پرواز هواپیماهای خود را در منطقه جنوب و حاکمیت نیروی هوایی آمریکا بر حریم هوایی جنوب عراق را نمی پذیرد و با سفر بازرسان سازمان ملل به عراق بشرطی موافق است که از غرب و از طریق اردن صورت گیرد. اما پس از حملات نظامی اخیر به بغداد، از مواضع قبلی خود عقب نشست و با سفر بازرسان سازمان ملل از طریق جنوب عراق موافقت کرد.

بروشی نمی توان به اهداف و انگیزه های هم عراق و هم آمریکا ادامه در صفحه ۳

بروشی نمی توان به اهداف و انگیزه های هم عراق و هم آمریکا ادامه در صفحه ۳

بروشی نمی توان به اهداف و انگیزه های هم عراق و هم آمریکا ادامه در صفحه ۳

بروشی نمی توان به اهداف و انگیزه های هم عراق و هم آمریکا ادامه در صفحه ۳

### عادللی: قوانین اقتصادی ربطی به ایدئولوژی ندارد

حملات به سخنان دکتر عادللی در مطبوعات و مجلس شور ا ادامه دارد. عادللی رئیس کل بانک مرکزی مدتی قبل در جلسه "بررسی سیاستهای جدید ارزی و تعدیل اقتصادی" در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی سخنانی ایراد کرد که موجب جنجال در محافل سیاسی کشور گردید. او در پاسخ به سؤال پیرامون مبنای فکری و ایدئولوژیک سیاستهای تعدیل اقتصادی گفت قوانین اقتصادی ربطی به ایدئولوژی و مبنای فکری ندارد چرا که در همه جوامع بیک شکل جواب میدهد مثلاً شما در هر کجا که سنگی را هکنید، به زمین می افتد و همینطور نیز هر کجا که مکانیزم قیمت ها را اجرا کنید، یک جواب مشخص میدهد. عادللی اضافه کرد اگر در مورد قوانین اقتصادی بحث ایدئولوژیک نکنیم به نتیجه می رسیم والا به نتیجه نخواهیم رسید.

در جمهوری اسلامی هر نظری که بنحوی تفکیک ایدئولوژی از ادامه در صفحه ۴

### باز هم درباره پرده پوشی دخالت جمهوری اسلامی در ترور برلین

جهت داری داده اند تا افشاگری های اخیر سایر مجلات آلمانی، از جمله اشترن که فاش کرد معامله یک میلیارد مارکی فروش کامیون به ایران مانع از هلنی شدن نتایج تحقیقات پلیس شود، خنثی گردد. با این حال، مقاله فوکوس را چاپ می کنیم زیرا حاوی اطلاعاتی جدید در مورد فعالیت های تروریستی جمهوری اسلامی است:

تکلس چهار صفحه ای و کاملاً محرمانه، شور و شوق هید میلاد مسیح را خدشه دار کرد. وزارت خارجه و وزارت کشور، سه روز پیش از کریسمس ۹۲، ساعت ۱۳ و ۵۴ دقیقه گزارش نگران کننده ای از اداره آگاهی فدرال (ب. کا. آ.) واصل شد. بخش امنیت دولتی ب. کا. آ. در یک "گزارش خطرات موجود" به بطور همزمان به همه ادارات آگاهی ایالتی و سرویس مخفی آلمان ارسال شد، نسبت به خطر اقدامات تروریستی در آلمان و زبون بودن اتباع آلمانی هشدار داد.

ادامه در صفحه ۲

### دانشگاه و حوزه از سخنرانی دکتر عبدالکریم سروش

دکتر عبدالکریم سروش به مناسبت "روز وحدت حوزه و دانشگاه" در دانشکده اصغیان مطالبی تحت عنوان "تظاهرات دانشگاه از حوزه" ایراد نمود. به جهت اهمیت مضامین مطرحه در این سخنرانی، ما در زیر بخش هایی از آن را به نقل از روزنامه سلام درج می کنیم.

### دو حادثه دلخراش در تهران و ورامین

روز سه شنبه هفته گذشته (۳۰ دیماه) بر اثر برخورد دو قطار در ورامین دهها تن کشته شدند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی و مطبوعات تهران حادثه بر اساس اشتباه سوزن بان خط اتفاق افتاد و در نتیجه یک لوکوموتیو وارد خطی دیگر گردید که از سوی دیگر آن قطار مشهد به سوی تهران در حرکت بود. دو قطار در ایستگاه راه آهن پیشوای ورامین به هم برخوردند. شدت تصادف به حدی بود که دو واگن کامل از قطار مسافری مشهد- تهران از خط خارج گردید و کاملاً منهدم شد. ادامه در صفحه ۴

روز سه شنبه هفته گذشته (۳۰ دیماه) بر اثر برخورد دو قطار در ورامین دهها تن کشته شدند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی و مطبوعات تهران حادثه بر اساس اشتباه سوزن بان خط اتفاق افتاد و در نتیجه یک لوکوموتیو وارد خطی دیگر گردید که از سوی دیگر آن قطار مشهد به سوی تهران در حرکت بود. دو قطار در ایستگاه راه آهن پیشوای ورامین به هم برخوردند. شدت تصادف به حدی بود که دو واگن کامل از قطار مسافری مشهد- تهران از خط خارج گردید و کاملاً منهدم شد. ادامه در صفحه ۴

روز سه شنبه هفته گذشته (۳۰ دیماه) بر اثر برخورد دو قطار در ورامین دهها تن کشته شدند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی و مطبوعات تهران حادثه بر اساس اشتباه سوزن بان خط اتفاق افتاد و در نتیجه یک لوکوموتیو وارد خطی دیگر گردید که از سوی دیگر آن قطار مشهد به سوی تهران در حرکت بود. دو قطار در ایستگاه راه آهن پیشوای ورامین به هم برخوردند. شدت تصادف به حدی بود که دو واگن کامل از قطار مسافری مشهد- تهران از خط خارج گردید و کاملاً منهدم شد. ادامه در صفحه ۴

در این شماره:  
دیدگاهها، مواضع و جایگاه کنونی "خط امام"  
در صفحه ۷  
اجتماعی کردن سوسیالیسم  
در صفحه ۸

یادداشت

مبارزه بین اصلاح طلبان دینی و واپسگرایان

روحانیت از زمانی که بر مسند قدرت نشست در صدد بود که دانشگاهها را تسخیر کرده و آنها را با حوزه پیوند دهد. حوزه که ریشه در مذهب اسلام داشته و قرنهای طولانی جماعت آخوند را پرورانده است، به دانشگاه که برگرفته از فرهنگ و تمدن اروپاست، همواره به عنوان پدیده بیگانه‌ای نگریسته است. که "نوزندان مسلمان" را از راه بدر برده و افکار و اندیشه‌های ضد مذهبی را ترویج کرده است. در زمان باصلاح انقلاب فرهنگی، سران حکومت بفرق افتادند که دانشگاهها را از آن خود بکنند و برای این کار از یکسوی دانشجویان و استادان دگراندیش را وسیعاً بیرون ریخته و کنترل شدیدی را بر دانشگاهها اعمال کردند و از سوی دیگر مسئله وحدت حوزه و دانشگاه را پیش کشیدند. و برای تحقق این مقصود سمینارهای متعددی تشکیل داده و به اقدامات زیادی دست یازیدند. از جمله عده‌ای از طلاب راراهی دانشگاهها کردند و عده‌ای از دانشجویان را به حوزه‌ها کشاندند. گرداندگان حکومت همه ساله در سالگرد "روز وحدت حوزه و دانشگاه" از ضرورت تحقق این مقصود سخن می‌گویند ولی وحدت آندو هنوز در حد آرزو باقی مانده است.

امسال انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان قدم جلو گذاشت و از دکتر هیدالکریم سروش خواست که بمناسبت "روز وحدت حوزه و دانشگاه"، دیدگاهی خود را در این زمینه بیان دارد. او در سخنرانی خود با عنوان "انتقادات دانشگاه از حوزه" بخشی از حقایق مربوط به حوزه را طرح و تمایز بین آندو را در سه هرصه بیان داشت (ما بخشهایی از این سخنرانی را در همین شماره نشریه کار درج نموده‌ایم).

سخنانی که سروش در مورد خصوصیات حوزه و تمایزات آن با دانشگاه اظهار نمود، از زبان یک فیلسوف اسلامی جسورانه و شجاعانه بود. او بدون پرچاش و درشت‌گویی، بشیوه‌ای مستدل و منطقی، آن حقایق را اظهار داشت که روحانیت از آشکار شدنش وحشت دارد. شیوه استدلال سروش در این زمینه قوی و برا است. او اظهار داشت که حوزه‌ها بر "تداست" متکی است و کار طلاب آنست که متون مقدس را بخوانند تا آنها را بفهمند. پیشاپیش صحت، حرمت و قداست این متون پذیرفته شده و جای سوال و مناقشه وجود ندارد. بهمن خاطر بین حوزه و دانشگاه که بر علوم تجربی اتکا دارد، وحدتی نمی‌تواند در میان باشد، مگر اینکه حوزه دگرگون شود و به سلک و سیاق دانشگاه درآید.

در همین حال سروش بر پیوند یافتن حوزه با قدرت و آفات آن دست گذاشت و سه آفت مهم را در این باب شمرده. نخست آنکه حوزه به زبان قدرت سخن میگوید نه به زبان منطق. دوم اینکه هرچاز علم و منطق کم آورد، این کمبود را با قدرت پر کند و سوم اینکه ایدئولوگ و توجیه‌گر قدرت باشد.

سروش با این سخنان آب پاک روی دست کسانی ریخت که با

ادامه از صفحه ۱

کارشناسان امنیتی ب. کا. آ. که در مکنه‌ایم در نزدیکی بن مستقرند، در گزارش خود از منشا فرماندهی به قاتلان، آدم ربایان و بمب‌گذاران نام نیز برده‌اند: "ساواما"، سرویس اطلاعاتی ایران، که رد پای خونین آن سالعاست در نقاط مختلف اروپای غربی می‌گذرد.

هوامل "ساواما"، بیرحمانه و با تیر خلاص و ضربات چاقو، مخالفان رژیم ایران در خارج را شکار می‌کنند آنها آلمان را بیش از پیش به هرصه اصلی فعالیت‌های خود تبدیل کردند.

در گزارش سری ب. کا. آ. آمده است دولت ایران "به هیچ وجه نمی‌خواهد بخاطر روابط خوب میان دو دولت از عملیات تروریستی چشم‌پوشی کند". ماموران رژیم آخوندها در تهران از هیچ جنایتی ابا ندارند. ب. کا. آ. هشدار می‌دهد تحقیقات پلیس آلمان برای یافتن عاملان پشت پرده گروهی ترور، به اقدامات بی‌ملاحظه علیه آلمانی‌ها خواهد انجامید.

محرك جدید برتری هشدارهای دایره امنیت دولتی، تحقیقات در مورد یک پروند قتل است که باعث دردسر مقامات امنیتی آلمان شده است، در حالی که مدت‌هاست مظنونین به قتل دستگیر شده‌اند.

محل ارتکاب جرم: برلین، خیابان پراگ، شماره ۲-۱، زمان ارتکاب جرم: ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲، ساعت ۲۳ و ۵۴ دقیقه. در یک اتاق جنبی رستوران "میکونوس" هشت شخصیت تعلیمی اپوزیسیون ایران مشغول صرف شام و در همین حال سرگرم گفتگو هستند. ناگهان دو مرد با مسلسل و تپانچه داری صدا خفه کن وارد اتاق می‌شوند و بلافاصله آتش می‌کشند. یک همدستان مراقب در ورودی است.

در زیر رگبار گلوله، چهار نماینده هالیبرته حزب دمکرات کردستان ایران جان خود را از دست می‌دهند. پس از دو هفته و نیم، تحقیقات به موفقیت می‌انجامد: پلیس در شهر راینه وستفالن دو مظنون اصلی را دستگیر می‌کند - عباس رایل ضارب با تپانچه، ۲۵ ساله، و یوسف امین، ۲۴ ساله، که مراقب در بود. هر دو، متقاضی پناهندگی و اهل لبنان‌اند. هر دو، عضو گروه تروریستی "حزب‌الله" اند که مورد حمایت ایران است. وقتی بعداً رئیس آنها دستگیر می‌شود، مخمصه برای ارگانهای امنیتی آلمان شروع می‌شود.

کارآگاهان مامور پرونده "میکونوس" که با علاقه زیاد کار خود را انجام می‌دادند، از همان آغاز تحقیقات خود متوجه دلخوری و مقاومت سیاستمداران آلمانی در برابر پیشرفت کارشان شدند.

مثلاً به آقای یوست، یکی از دادستانان شافل در دادستانی فدرال کارلسروهه، از وزارت دادگستری تلفن شد. از او خواش کردند که دخالت احتمالی محافل دولتی تهران در ترور برلین را خیلی مورد تاکید قرار ندهد.

کمیسرون "میکونوس" ب. کا. آ. نیز مقاومت‌هایی احساس کرد، این بار از جانب دفتر صدراعظم. برنرند اشمیدباوئر رئیس دفتر صدراعظم که مسئول هماهنگی سرویس‌های مخفی است و از سوی کارآگاهان ب. کا. آ. "مامور دو صفر هفت" لقب گرفته است از آغاز مایل بود عاملان پشت پرده اصلی ترور مجازات نشوند، در حالی که برای دایره امنیت دولتی از مدت‌ها پیش روشن است که "سوتصد ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ برلین، یک عمل تروریسم دولتی ایران بود." (به نقل از گزارش دایره امنیت دولتی).

هلت خویشتن داری مقامات دولت بن، نه نگرانی از کاهش معاملات سودآور با تهران، آنطور که نخست حدس زده می‌شد، بلکه این است که بن از انتقام آخوندها می‌ترسد.

یک مقام عالی رتبه امنیتی به فوکوس گفت: "مسئله بر سر امنیت داخلی در این کشور است. این خطر وجود دارد که عاملان متعصب و الهام گرفته از اسلام ستیزه‌جو، مثلاً در فروشگاههای آلمان بمب منفجر کنند."

سرویس اطلاعاتی ایران برای انجام چنین عملیاتی به اندازه کافی عامل و همدست دارد. گزارش سری دایره امنیت دولتی، نسبت به خطر فعالین حزب‌الله که تحت پوشش پناهندگی و بطور شناخته نشده در آلمان زندگی می‌کنند، هشدار می‌دهد.

رولف توپچوند، رئیس موسسه "مطالعات پیرامون تروریسم"، از آمادگی ماموران سرویس اطلاعاتی ایران برای اعمال تفرگاه است. او پیش‌بینی می‌کند اگر تهران احساس تنگنا کند، در نخستین واکنش، دست به عملیات علیه موسسات آلمانی در خارج خواهد زد. توصیه توپچوند این است: "باید به تروریستها امتیاز داد. باید بدون هیچگونه ملاحظه، تحقیقات را ادامه داد."

مخالف رژیم ایران می‌فرستد. مدت‌هاست که ثابت شده است "خانه ایران" در کلن، خیابان پارک، شماره ۵، مقر مهمی برای ماموران سرویس مخفی ایران است، و محسن د، مسئول این مرکز، نقش مهمی در امور لجستیکی سرویس مخفی ایفا می‌کند. این فاکت را نیز محرمانه نگه می‌دارند که مبدا در تهران کسی دلخور شود.

حتی زمانی که احمد طاهری، ۳۱ ساله، سر تروریست ایرانی، در سال گذشته به جاسوسی علیه مجاهدین خلق، یک گروه مخالف در کلن مشغول بود، کارآگان ویژه آلمانی مراقب او بودند. کارشناسان تعقیب و مراقبت آلمانی، طاهری را پیوسته زیر نظر داشتند، مثلاً وقتی که ۲۳ اکتبر ۱۹۹۲ در فرودگاه فرانکفورت از آژانس "ویز" یک اتومبیل گلف با شماره و.ای. ال. اپیسیلین - ۹۴۹ کرایه کرد. این مامور "ساواما" آن شب را در هتل اینترسیستی گذراند. هیچ چیز از نظر تعقیب کنندگان او پنهان نماند.

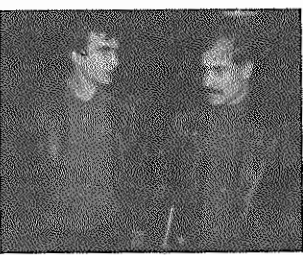
اما آنها طاهری را بازداشت نکردند. برای دستگیری او، دلیل مهمی وجود داشت: طاهری در قتل بختیار، نخست وزیر پیشین ایران، در اوت ۱۹۹۱ در پاریس شرکت داشت. یک کارآگاه ویژه به فوکوس گفت: "نمی‌خواستند این آدم را در آلمان زندانی کنند، زیرا این امر نتیجه‌ای جز مسئله تراشی با ایران نداشت."

در حال حاضر مسئله به اندازه کافی وجود دارد. طبق اطلاعاتی که بدست فوکوس رسیده است، تهران اکیداً به دولت آلمان هشدار داده است که به دولت ایران اتهام دخالت در اقدامات تروریستی نزنند.

تهران، ابزار مناسب ابمال فشار را در اختیار دارد - جان دو آلمانی دستگیر شده. مورد اول: پاول دیتیش اف، ۵۹ ساله، از ۲۷ اوت در زندان اوین تهران به سر می‌برد. هلت بازداشت: اتهام کلابرداری، توهین به عکس خمینی، جاسوسی. اف، که ۲۵ سال است در ایران زندگی می‌کند و صاحب شرکت ساختمانی "پارس دلتا" است، از سرودی محاکمه خواهد شد.

به تورستن و کریستیان اف، اهل نورنبرگ، اخیراً اجازه دادند در تهران پنج دقیقه با پدرشان صحبت کنند، آنها می‌گویند: "صبر کنید، ما را بازداشت کرده‌اند. این برخورد نشان‌دهنده فرهنگ بشدت نازل گردانندگان کیهان هوایی است که در حقیقت نسخه روزنامه کیهان، ویژه ایرانیان خارج از کشور است. روزنامه کیهان از داخل کشور کمر به سرکوب دگراندیشان بسته است و کیهان هوایی در خارج از کشور، آنها که به حداقل موازین اخلاقی پای بند نیستند، برای رسیدن به مقاصد خود حاضرند به هر شیوه ناشایست دست بزنند. این امر نشان‌دهنده گردانندگان کیهان هوایی است. آتهایی که باصلاح منطق و استدلال وارد میدان میشوند نیازی به تحریف و جعل ندارند. اتهام و تحریف مشخصه کسانی است که پای استدلالشان چوبین است.

باز هم در باره پیرده پوشی دخالت جمهوری اسلامی در ترور برلین



مسخود میرا شد و مهدی ابراهیم زاده اصفهانی اعضای گروه اپوزیسیون فدائیان خلق، از ترور برلین جان سالم بدر بردند. میرا شد در گفتگو با فوکوس، عملیات سرویس مخفی ایران را چنین تشریح می‌کند: "داشتم با شرفکنندی، دبیر کل حزب دمکرات صحبت می‌کردم که ناگهان نگاه بسیار عجیبی به من کرد. مرگ را در چشمانش دیدم. برگشتم و دیدم قاتل کنارم ایستاده است، با مسلسلی که داشت شلیک کرد. صدای شلیک کاملاً آهسته بود. صدا خفه کن داشتند. شرفکنندی بلافاصله افتاد. آنگاه قاتل دیگر آمد و از نزدیک به سر شرفکنندی شلیک کرد. می‌خواستند کاملاً مطمئن شوند که کشته شده است. آنگاه قاتل‌ها بیرون دویدند. مجموعاً چهار نفر کشته شدند. کل ماجرا شاید سی ثانیه طول کشید. کاملاً حرفه‌ای بودند."

"نخست او را بدجا نیاوردیم. دچار سوت‌خفیه شده بود، باینکه مرض حاد قلبی دارد، از مراقبت پزشکی محروم است. حتی دندانهای مصنوعی‌اش را هم از او گرفته‌اند. سفارت آلمان در تهران برای پدر ما هیچ کاری نمی‌کند. وقتی به سفارت مراجعه کردیم، به دستور دیپلماتها به ما گفتند که کسی در سفارت نیست."

آلمانی دوم دستگیر شده در تهران، مورد بسیار حساسی است: هلموت اس، که در سال ۱۹۹۱ به اتهام جاسوسی برای عراق به حبس‌ابد محکوم شده است. اخیراً مورد محاکمه مجدد قرار گرفت و محکوم به اعدام شد. یک کارآگاه ب. کا. آ. می‌گوید: "این ماجرا حتماً به تحقیقات ما علیه سرویس مخفی ایران مربوط است. دل من به حال او که در تهران است می‌سوزد. تردیدی ندارم که آخوندها اگر کار به جای باریک بکشند او را دار خواهند زد."

تحریفات و جعلیات کیهان هوایی

در شماره ۲۳ ذیمه کیهان هوایی مطالبی به نقل از نشریه کار درج شده است. مطلب اول با تیتیر "در اعتراض به افشاگری هفته‌نامه مسکو نیوز" سازمان فدائیان "دریافت پول از مسکو را اقدامی میهن پرستانه توصیف کرد" و مطلب دوم با عنوان "سازمان ضد امپریالیستی فدائیان خلق خواستار برقراری روابط ایران با آمریکا شد" و نیز همچوی در رابطه با اطلاعیه مربوط به خبر برگزاری جشن سالگرد سازمان. کیهان هوایی این مطالب را بصورت کاملاً تحریف شده نقل کرده و در نوشته‌های خود اتهامات و جعلیاتی را تحت عنوان نظرات سازمان ما ارائه

### سالگره دقتل دکتر تقی ارانی

۵۳ سال از روزی می گذرد که بر تقی ارانی نقطه پایانی خونین گذاشته شد. وی روز ۱۴ بهمن ماه سال ۱۳۱۸ در زندان رضاشاه به قتل رسید. دکتر ارانی که هنگام مرگ تنها ۳۷ سال داشت، در نتیجه تزیق آمپول هوا توسط شکنجه گران رضاشاهی در زندان قهر به قتل رسید.

ارانی پس از انصراف از تحصیل پزشکی در مسکو به آلمان رفت و به تحصیل فلسفه پرداخت. وی از زمان تحصیل در اروپا تا پایان عمر خود، تمامی نیرویش را در خدمت گردهم آوردن نیروهای چپ ایران و تجهیز هر چه بیشتر آن به اندیشه های سوسیالیسم علمی گذاشت. نتیجه فعالیت سازمانگرا وی گرد آمدن گروهی از اندیشمندان و فعالین چپ ایران شد. تعداد کثیری از این افراد که توسط حکومت دیکتاتوری رضاشاه دستگیر و به گروه ۵۳ نفر معروف شدند، بعدها حزب توده ایران را بنیان گذاری کردند.

اهمیت دکتر ارانی در این است که از یک سو دوره ای خاص از حیات جنبش چپ ایران، یعنی دوره خاتمه کار حزب کمونیست ایران و تاسیس حزب توده ایران، را نمایندگی کرد و از سوی دیگر دانشمندی برجسته و در زمره اولین اندیشمندان نامی جنبش مذکور بود.

ارانی در ترویج و فضای تفکرات چپ بسیار کوشید. در این زمینه وی تالیفات بسیاری از خود به جای گذاشت. از خدمات ارزنده ارانی در این زمینه آن بود که بعنوان یک انترناسیونالیست در جهت برقرار کردن پیوند میان سوسیالیسم علمی و فرهنگ ایرانی کوشید. او پیشقدم ایرانی کردن اندیشه جهانی چپ بود. نام و خدمات دکتر تقی ارانی اندیشمندی برجسته چپ در تاریخ جنبش چپ ایران جاودانه است.

ادامه از صفحه ۱

### دانشگاه و حوزه

حوزوی محیطی است که چنین مرزی را می شناسد و در عمل هم تعیین و تحدید میکند، ادعای کزافی نخواهد بود. ولی این تسلیم و هدم تسلیم نسبت به مبادی و مبانی اولیه است نه به هر چیزی که گفته میشود و هر رای و نظریه ای که ابراز میشود. مشخصه دیگری که در حوزه دیده میشود و در حال حاضر در دانشگاهها دیده نمی شود هجرت است از دسترسی حوزه های علمیه به قدرت. این مطلب کوچکی نیست. بعد از انقلاب، روحانیت مدیریت کشور را بعهده گرفت و نظریه های که اینک کشور را اداره می کند نظریه ولایت فقیه است که الزام میکند در رای حکومت یک فقیه باشد و زمام رهبری و تدبیر امور را بدست داشته باشد. و این روحانی لاجرم فارق التحصیل حوزه علمی یعنی مدرسه ای است که روحانی پرور و فقیه پرور است به همین سبب پیوستگی حوزه علمیه با مراجع قدرت، یک پیوستگی اورگانیک بسیار وثیق است و هملا در مسائل حکومتی، حوزه علمیه حرف آخر را میزند، چرا که حکومت، دینی است. اگر حکومت دینی نبود، دین شناسان، یعنی روحانیون هم، چنین با حکومت و قدرت اجنبی و قرین نبودند. اقتضای حکومت دینی قدرتمند شدن روحانیت و حوزویان است. و این امری بدیهی و بی چون چراست. علوم دینی، بالفعل، برای کسی که واجد آنهاست، مروره قدرت می آورد شخص روحانی امروز قاضی میشود. در مراجع قدرت می نشیند. نماینده ولی فقیه میشود. ولایت و اولویت بر غیر پیدا میکند. نفوذ سخن پیدا میکند و قداست و حرمتی میابد. که دیگران از آن برخوردار نیستند حتی طنز و نقد نویسی در مهمترین مجله طنز کشور دامن همرا میگیرد ولی دامن او را نمی گیرد.

اگر یک محیط علمی (خواه دینی و خواه غیر دینی) دسترسی اش به قدرت آسان باشد، چه آفات و انحرافات آن را تهدید می کند. حوزه های علمیه تا پیش از انقلاب این مشکل بالقوه را نداشتند ولی امروز چنین نیست. نمی گویم که خارج التحصیلان دانشگاه کار پیدا نمی کنند و یا حتی در مناصب مدیریت نمی نشینند. لکن وضعیتشان از این حیث بسیار تفاوت دارد با وضع روحانیت که اداره مملکت، نظرا به دست آنان

حیثشان را پیدا کنیم و نقدشان کنیم. اساسا در آنها نقص و عیبی قائل نیستیم. متنی است که پیشاپیش صحت و مهرمت و قداست آن پذیرفته شده و ما در خصوص آن مناقشه نمی کنیم و آن را فوق چون و چرا می میدانیم. چون و چرا علمی از جانی پائین تر آغاز می شود. همه نوع گفتگو و انتقاد در این مجال پائین تر از اداست. ولی همینکه به آن منطبقه مقدس میرسیم، کارمان تسلیم و فجمیدن است. مهمتر از اینکه معتقدیم همین تسلیم و ایمان ما را آماده و موفق به درکها و استباطهای میکند که کفر و عناد و طغیان، آن توفیق را میستاند. این است پیش فرض اصلی یا نگرش حاکم بر درس و علوم دینی حوزوی که نقد پذیریشان از جایی به بعد متوقف می شود. نمی گوئیم این عیب یا انحطاط است. میگوئیم ماهیت آن علوم چنین است.

ما در علوم تجربی هیچ خط ترمزی نداریم، و از طرفین یعنی استاد و شاگرد هیچگاه چنین ایمان و التزامی نرفته است که بعضی از تئوریها مقدس فوق چون و چرا هستند و از ناحیه کسانی صادر شده اند که انگشت اعتراض بر سخن شان نمی توان نهاد. فضای یک دانشگاه آرمانی، به استاد و دانشجو چنین القا و تلقین میکند که به شرط اینکه واجد شرایط باشی تهر چاراکه بتوانی و بررسی حق داری که تیشه بزنی و سوراخ کنی و پیشتر بروی و با خفاریهای تازه خود به نتایج تازه تری دست پیدا کنی و هیچ مقامی در علم وجود ندارد که این حق را بتواند از تو سلب کند و حرکت را متوقف سازد. شما که در دانشگاه تحصیل میکنید، در چنین فضایی غوطه ورید، خواه بدان آگاه باشید خواه نه، پس من اگر در اینجا بگویم که محیط دانشگاهی، محیط عدم تسلیم است که علی الاصول هیچ مرزی برای انتقاد و چون و چرا نمی شناسد و محیط

### بهاران مجدد هراق ...

ادامه از صفحه ۱

در ایجاد بحران اخیر پی برد، بنظر می رسد صدام حسین به قصد بهره برداری از موقعیت خاص کاخ سفید در روزهای انتقال قدرت از بوش به کلینتون دست به این تحریکات زده است. هدف صدام ظاهرا این بود که بد طرفداران خود در هراق و در جهان عرب نشان دهد هنوز آنقدر قدرت دارد که بتواند در مقابل امریکا بایستد. اما این احتمال نیز داده می شود که صدام با ایجاد تحریکات در روزهای پایانی دوره ریاست جمهوری بوش و عقب نشینی از مواضع خود به هنگام ورود کلینتون به کاخ سفید، آمادگی خود را برای کنار آمدن با کلینتون اعلام نماید.

تحریکات رژیم هراق برای جرج بوش نیز احتمالا فرصت مناسبی بود تا مسئله نیمه تمام هراق را در شکل حادث آن به دولت کلینتون انتقال دهد، با این نیت که دولت جدید، کاری را که بوش نتوانست بود، به آخر برساند تمام کند. لیکن ضرب شست ابلاط متحده امریکا در برابر تحریکات صدام حسین، به بهای سنگینی برای امریکا و شخص بوش که لحظات پایانی ریاست جمهوری و زندگی سیاسی خود را طی می کرد، تمام شد. در جهان عرب تقریبا یکصد پرسیدند که این چه حکمتی است که سازمان ملل در

برابر تحریکات صدام حسین به این سرعت و تند و اکنش نشان می دهد، اما اسرائیل که نلسطینیها را از خانه و کاشانه خود بیرون می کند، تنها در لفظ محکوم می شود؟ دامنه این اعتراضات به صغوف خود متحدین نیز کشیده شد. فرانسه و انگلیس اعلام کردند که حمله موشکی به مقابل امریکا بایستد. امریکایی بود و فرانسه و انگلیس در آن شرکت نداشتند. گرچه دولت انگلیس از اقدام امریکا پشتیبانی کرد اما رولان دوما وزیر خارجه فرانسه بهارن موشکی بغداد را اقدامی خارج از چهار چوب مصوبات شورای امنیت اعلام کرد و بدان اعتراض نمود.

دولت روسیه نیز در بیانه ای رسمی عملیات امریکا علیه هراق را اقدامی "افراطی" خواند. میخائیل گارباچف گفت: "باید به تحریکات صدام پاسخ گفت اما نه بصورت هجولانه و توسل به نیروهای نظامی این عمل یک اقدام نابخردانه و باعث توسعه عملیات جنگی می شود." وزارت خارجه کازاخستان ضمن ابراز نگرانی از وقایع اخیر جنوب هراق خواستار رعایت اصول منشور سازمان ملل در رابطه با تمامیت ارضی کشورها و غیر قابل تعدی بودن مرزهای آنها شد.

است و همام تا هر کجا بخوانند می توانند در امور دخالت کنند. و کلوکاههای مهم در اختیار آنان است و یک امام جمعه در یک شهر می تواند در کردگشایی یا کارشکنی، تاثیر عظیم داشته باشد. روحانیت، همیشه یک حزب منسجم بوده است و اینک حزبی است به قدرت رسیده که سایر احزاب مخالف را کنار نموده است. مشخصه سوم که باز در دانشگاهها صادق نیست، این است که حوزه های علمیه با همام و عامه مردم روبرو هستند. به تعبیر دیگر آنچه را فراهم می آورند فقط غذایی نیست که در خور خواص باشد، و سر و کارشان تنها با شاگردی نیست که مسایل علمی ویژه را از آنها بیسود، بلکه هم با توده عوام روبرو هستند که مسایل غیر علمی و غیر تخصصی را از آنها می پرسند و هم عمده دار امر شریف هدایت و تربیت عامه هستند. با عامه غیر اهل علم سخن گفتن اقتضایاتی دارد و با خواص و اهل علم سخن گفتن، اقتضایات دیگری. از اجم وظایف حوزه علمیه خطیبی پروری است، یعنی کسی که بتواند القا خطاب کند بتواند مجرب برود، یعنی کسی که بتواند با زبان ساده و همه کس فهم مردم را هدایت کند. برای آنها با فقه و تهلیل و شهر و شیرین زبانی، مواظب اخلاقی و معارف دینی و اصول اعتقادی بگوید. آنرا جزا فرایض حوزه های علمیه است.

وقتی یک نهاد تعلیمی و تخصصی، کسب مهارت در خطابه را از اهداف خود قرار بدهد (و خطابه هم مهارت است از سخن گفتن برای نفوذ در دل عامه و برای جانداختن یک مسئله به هر نحو ممکن)، این امر آفات و مقتضایاتی دارد و آن نهاد تعلیمی را می تواند به راهی بکشاند که همیشه مطلوب نیست. این خصوصیت در دانشگاهها وجود ندارد دانشگاهها بناشان بر خطیب پروری و دلربایی - که گاه به جلوه گری هم می کشد - نیست. چرا که هدایت گری از آنها خواسته نشده است و تقویت ایمان عامه به عهده آنها نیست. کار دانشگاهها متخصص پروری و گره گشایی علمی است و به همین سبب هم علومشان از خطر هوام زدگی در امان است. اینها سه مشخصه یا سه فرق مهم بین حوزه و دانشگاه بود که اقتضای ماهیت آنها هم هست و از بیرون به آنها تحمیل نشده است.

### پیام تبریک

### مجاهدین، مصطفی هجری و احمد مدنی به بیل کلینتون

بنوشته بولتن خبری هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران هیئتی از این سازمان سرپرستی سیدالمحدثین (مسئول روابط بین المللی مجاهدین) در اجلاس مشترک شورای رهبری حزب دمکرات امریکا در واشنگتن شرکت نمود. در جریان این اجلاس مسئول روابط بین المللی مجاهدین بایل کلینتون دیدار و گفتگو نمود. این هیئت در همین حال با معاون رئیس جمهور امریکا آلبرت گورو با خانم هیلاری کلینتون همسر رئیس جمهور ملاقات کرد. محمد سیدالمحدثین در دیدار با توماس فولی سخنگو و رئیس مجلس نمایندگان امریکا اظهار داشت که رژیم خمینی رفتنی است و خواهد

رفت. ریچارد کپارد رهبر اکثریت مجلس نمایندگان در دیدار با مسئول روابط بین المللی مجاهدین گفت که امیدوارم دولت و کنگره جدید امریکا اقدامات جدی تری علیه رژیم حاکم بر ایران اعمال کند. مصطفی هجری دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران نیز طی پیامی انتخاب بیل کلینتون به سمت رئیس جمهوری امریکا را تبریک گفت. در این پیام آمده است: "ما خواهان استقرار یک حکومت دمکراتیک در ایران هستیم که بتواند خودمختاری خلق کرد و دیگر خلق های ایران را در چهار چوب این کشور تامین نماید. ما در آینده و در این راستا کمک های

### در حاشیه رویدادها

### شتر کیهان

### در خانه اطلاعات هم خواهید!

کردانندگان روزنامه کیهان، موسسه کیهان را آشکارا به مرکز پرونده سازی علیه همه انجمنی کرده اند که مثل اینجاست نمی اندیشند. فرقی نمی کند این دگر اندیشان از کدام طایفه باشند، از خودیها یا غیر خودیها. به برکت ارتباط تنگاتنگی که مسئولان این روزنامه با وزارت اطلاعات و بخشهای جاسوسی و اطلاعاتی آن دارند، از سوابق و وضع و حال همه کس در همه جا خبر دارند و تمام حرکات و سکنات رقبا و معارضین خود را زیر نظر می گیرند. با اندکی دقت تنها در چند شماره کیهان و همینطور کیهان هوایی، بویژه آنجا که گوشه ای از پرونده های تنظیمی خود علیه دیگران را باز می نماید. می توان به آثار حضور ساواما در کیهان و استفاده گردانندگان این موسسه از خدمات ویژه وزارت اطلاعات پی برد.

کیهان تاکنون برای دهها روزنامه و مجله و نویسنده پرونده ساخته است، که ظاهرا جای روزنامه اطلاعات در میان آنها خالی بوده است. اما شتر کیهان بالاخره در خانه روزنامه اطلاعات سرپرستی آنرا حجت الاسلام محمود دعائی بعهده دارد، هم خواهید. این روزنامه در شماره ۲۶ دیماه خود در طنزی آبکی و بیمزه، کریبان

اتای دعایی را گرفته که گویا در مجلسی در کنار بهرام مسعودی پسر عباس مسعودی سرپرست روزنامه اطلاعات در رژیم سابق نشسته بود و دوش بدوش نشستن این دو نفر را کیهان بحساب "توطئه و تهاجم فرهنگی" گذاشته است.

می گویند روزنامه های کیهان و اطلاعات از زمان تاسیس تاکنون هیچگاه میانه خوشی با هم نداشتند و اگر در ایران چندین رژیم نیز عوض شود و گردانندگان این دو موسسه رقیب دهها بار با و پائین شوند، باز هم این نوع رابطه میان آنها دوام خواهد داشت اما این قضیه چندان جدی نیست و آنرا باید به حساب نظر اهل مزاج گذاشت. اصل قضیه این است که روزنامه اطلاعات بتازگی سکوت خود را شکسته و به آرامی وارد کارزار کانونجای قدرت در درون حکومت اسلامی شده است و نظراتی را در مسائل جامعه و دولت طرح می نماید که بیشتر با مواضع و نقطه نظرات رئیس جمهور و اطرافیان او سازگار است و یا از جانب اینها مطرح می شوند. طبیعتا این رویه اطلاعات باب طبع گردانندگان هوچی و قشری روزنامه کیهان نیست و همین کافی است پرونده سازی برای مسئولان موسسه اطلاعات جم در دستور کار قرار گیرد.

### تشخیص همه جهات خطر

ادامه از صفحه ۱

جدی است و رژیم جمهوری اسلامی هم به دلایل زیادی آماده است در برابر امریکا، جرته را به حریق و حریق را به بلای خانمانسوز بدل کند. با تصریح دگر باره بر این حقیقت که تداوم بحران در مناسبات جمهوری اسلامی و امریکا و تشدید آن، نه تاکنون سودی برای مردم ما ببار آورده و نه از این پس حاصل دیشری جز زیان در پی خواهد داشت، باید تاکید کرد که تعیین تکلیف با رژیم حاکم به گونه ای که سرافازی باشد برای نجات مردم و کشور از اوضاع کنونی، وظیفه و حق مردم ایران است. بهره گیری از امکانات بین المللی چه برای عقب نشاندن رژیم و چه به نفع کشاندن آن طبعا هم منطقی است و هم ضروری. اما این بهره گیری ها صرفا می باید با در نظر داشت همه جهات قضایا، با توجه به ماهیت و نیت همه نیروهای موجود در صحنه و بر پایه مصالح کشور و منافع کنونی و دراز مدت مردم، صورت بگیرد.

برقراری مناسبات با امریکا توسط جمهوری اسلامی، هم بطور کلی در جهان مبتنی بر مناسبات دول یک ضرورت است، و هم بویژه در شرایط مخاطره آمیز کنونی یک وسیله مهم جلوگیری از فاجدهای است که به اشتراک جمهوری اسلامی و امریکا میتواند برای مردم و کشور ما شکل بگیرد. امریکا و قدرتهای بزرگ در جهان ما البته قادر به هر تحمیل و زوری نیستند، اما اینهم است که بر زمینه بهانه ها و فرصت هاست که آنان قادر به انجام "هر فطلی" میشوند. نمونه لشکر کشی صدام حسین به کویت و واکنش قرب به سرکردگی امریکا یک نمونه روشن بود. اگر صدام حسین دست به ماجراجویی نمیزد، امریکانمیتوانست به چنان قدری دست بزند و به حاکم بلا منازع منطقه بدل شود.

و در یک کلام، اپوزیسیون ایرانی در این وضع خطیر برای مقابله مسئولانه با بحران خطرناکی که سر بر آورده است، باید نهایت هشجاری را از خود نشان دهد. قرار گرفتن در کنار برنامه ها و نقشه های امریکا که هیچ قربانی با منافع مردم و کشور ما ندارد، مطلق کردن مقابله با رژیم مستبد و ضد مردمی حاکم بر میهنمان و به فراموشی سپردن یکم توجعی به مصالح کل کشور و مردم، بر اساس شواهد موجود انحرافی است که در بخش هایی از اپوزیسیون تقویت میگردد و خطری است که میتواند گریبانگیر بخش هایی دیگر از اپوزیسیون شود.

امیدواریم، بیل کلینتون به پیام هجری پاسخ گفت و اظهار داشت که: "... در چهار سال آینده مسائل بحرانی قد علم خواهد کرد. الگور و من مشتاقانه در انتظاریم که بتوانیم هر کاری که برای ساختن آینده بهتری به همه یاری رساند، انجام دهیم."

احمد مدنی نیز مدتی قبل در پیام خود به بیل کلینتون اظهار داشت: "جنابعالی در پیام توید بخش خود در پیچه ای تازه از امید را گشوده اید و انتظار چنان است که بر سر پیمان بمانید و تا آنجا که در توان دارید، فریاد رس... هموطنانم شوید..."

امیدواریم، بیل کلینتون به پیام هجری پاسخ گفت و اظهار داشت که: "... در چهار سال آینده مسائل بحرانی قد علم خواهد کرد. الگور و من مشتاقانه در انتظاریم که بتوانیم هر کاری که برای ساختن آینده بهتری به همه یاری رساند، انجام دهیم."

## دیدار شوار دنازه از تهران

جمعه گرجستان سده شنبه هفتگه گذشته بنا به دعوت رسمی رفسنجانی وارد تهران شد. وی در این سفر که دوروز بطول انجامید با رفسنجانی و دیگر مقامات جمهوری اسلامی پیرامون امکانات همکاری دو کشور به گفتگو پرداخت که منجر به امضاء قرارداد جداگانه در زمینه های گوناگون میان دو کشور شد. بنا به گزارش رادیو جمهوری اسلامی یک قرارداد همکاری ۱۰ ساله میان ایران و گرجستان به امضاء رسید که صدور گاز به گرجستان از طریق خطلوله میان ایران و شوروی سابق از جمله آنهاست. گرجستان پس از فروپاشی اتحاد شوروی از نظر تامین سوخت و انرژی در مضیقه قرار گرفت که این وضع در این اواخر تشدید شده است.

در پایان سفر شوار دنازه به تهران، یک بیانیه ۲۲ ماده ای بین او و رفسنجانی به امضاء رسید که کلیه موارد توافقات دو طرف را در بر می گرفت. بنا بر این توافقات قرار است بزودی سفارتخانه های دو کشور در تهران و تفلیس گشایش یابند. همچنین شوار دنازه از رفسنجانی دعوت کرد که از گرجستان دیدن کند.

## کنفرانس کاربرد تحقیقات در امر توسعه

کنفرانس سده روزه کاربرد تحقیقات اجتماعی - اقتصادی در برنامه های توسعه از روز ۱۲ دیماه در تهران تشکیل شد. در این کنفرانس برخی اعضای هیئت علمی گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی و همچنین دکتر لاریجانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رژیم به سخنرانی پرداختند. موضوعات و مطالب مطرح شده در سخنرانی ها عبارت بودند از:

نقش مهم اطلاعات آماری در تعیین سیاستهای کلان فرهنگی، ارتباطات توسعه و توسعه نیاز ارتباطات در ایران، نیاز برنامه های توسعه روستایی به تحقیقات ارتباط جمعی، نقش دانشگاه در توسعه، بازده اقتصادی سرمایه گذاری در مقاطع تحصیلی ابتدایی تا دکترای تخصصی و نقش سرمایه های انسانی در رشد اقتصادی.

## برف و سیل، سرما و یخبندان در سراسر کشور

طی دو هفته گذشته بارش سنگین برف و باران مناطق شمالی کشور را به زیر برف فرو برد و در بسیاری مناطق سیل جاری شد. در فریدون شهر ارتفاع برف به سه متر رسید، در برخی شهرها منجمد قم تعدادی از ساختمانهای قدیمی بر اثر سنگینی برف فرو ریختند. در چهار شهر کجکیلو و بویر احمد سیل جاری شد و بر اثر طغیان رودخانه های کرخه، کارون، جراحی و زهره در خوزستان، مناطق وسیعی از جمله نیمی از جزیره مینو به زیر آب رفت.

## سفر وزیر خارجه به کشورهای اروپایی

ولایتی وزیر امور خارجه رژیم طی یک سفر ده روزه به کشورهای اروپایی، از چهار کشور لهستان، آلبانی، اتریش و فرانسه دیدار کرد. ولایتی در سفر به لهستان با لخ والسا رئیس جمهور این کشور نیز دیدار داشت. در این ملاقات از مهمترین نکات اشتراک توافقی بر ضرورت مذهب و سیاست عنوان شد. پس از بتدرت رسیدن لخ والسا در لهستان مسئله قائل شدن نوعی حق ویژه برای کلیسا و نظارت عالی آن بر قوانین مصوب پارلمان (بازگشت به مرحله ای که پانصد سال پیش اروپای غربی از سر گذرانده است) عنوان شد. ولایتی پس از دیدار از آلبانی و اتریش برای شرکت در کنفرانس بین المللی منع استفاده و تولید سلاح های شیمیایی وارد پاریس شد و با رولاند دوما وزیر امور خارجه فرانسه نیز دیدار کرد. وزیر خارجه رژیم در مصاحبه ای با روزنامه لیبراسیون

## تفویض اختیارات به رئیس قوه قضائیه

مجلس شورای اسلامی در جلسه روز ۲۰ دی خود ماده واحده ای راجه تصویب رساند که به موجب آن کلیه وظایف و اختیارات شورای عالی قضایی به رئیس قوه قضائیه محول شد. هر چند پس از برکناری موسوی اردبیلی از ریاست شورای عالی قضایی این ارگان منحل شده و عملاً کلیه اختیارات آن به رئیس قوه قضائیه محول گردیده بود، تصویب این ماده واحده در شرایط کنونی در راستای تثبیت تقویت شیخ محمد یزدی، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی تلقی شده است.

## توقیف یک کشتی حامل سلاح

خبرگزاری آسوشیتد پرس به نقل از روزنامه مصری "الشعب" گزارش داد که یک کشتی حامل سلاحهای ارسالی از سوی رژیم ایران برای مسلمانان به سنی هرزه گوین بوده است، جنگام عبور از کانال سوئز توقیف شده است. در این خبر قید شده که کشتی مذکور حاوی انواع سلاح بوده و توسط سربازان مصری مورد بازرسی قرار گرفته و توقیف شده است.

## دو حادثه دلخراش در تهران و ورامین

ادامه از صفحه ۱ رادیو جمهوری اسلامی تعداد کشته شدگان را ۱۷ تن و مجروحین حادثه را "دهماتر" ذکر کرد. اما به نوشته روزنامه های سلام و کیهان بیش از ۹۰ نفر در این تصادف جان خود را از دست دادند. مطبوعات تهران این حادثه را یکی از شدیدترین سوانح راه آهن در ایران نامیدند. دوروز پیش از این تصادف نیز سقوط یک هلی کوپتر در تهران حادثه دلخراش دیگری آفرید. این هلی کوپتر با یک ساختمان چهار طبقه در منطقه نیروی هوایی تصادف کرد. به فیر از این ساختمان که بکلی ویران گردید،

## از میان رویدادها

## اظهارات وزیر اطلاعات رژیم

فلاحیان وزیر اطلاعات رژیم سفر خود به استان لرستان در روز ۲۶ دیماه به تشریح فعالیت های وزارت اطلاعات پرداخت و ضمن تجلیل از "سربازان گمنام امام زمان" (ماموران و شکنجه گران وزارت اطلاعات) در زمینه های کشف شبکه های قاچاق اسلحه، شبکه های "تعاجم فرهنگی"، شبکه های برب گذاری و عوامل قاچاق آثار باستانی مطالبی ابراز داشت و اعلام کرد: بخاطر حفظ ارزشهای نظام، سال آینده مسئولان حفاظت ادارات مستقیماً توسط وزارت اطلاعات منصوب خواهند شد. فلاحیان در ارتباط با فرد آمریکایی دستگیر تهران هستیم.

## صدور کارت شناسایی ملی

معاون وزارت کشور و رئیس سازمان ثبت احوال روز ۲۳ دی اعلام کرد از نیمه دوم سال آینده برای کلیه افراد پانزده سال به بالا کارت شناسایی عکس دار صادر میشود. در این کارت ها اطلاعاتی همچون مشخصات فردی، آدرس، کد ملی و اثر انگشت ثبت خواهد شد این کارت ها "کارت شناسایی ملی" نام نهاده شده است. معاون وزارت کشور این طرح را در خدمت جلوگیری از بسیاری تخلفات ارزیابی کرد. قابل تصور است که این برنامه عمدها برای تشدید کنترل امنیتی بر جامعه و احداث طراحی شده است.

## عادلی: توانین اقتصادی ...

ادامه از صفحه ۱ سایر هر صد های زندگی اجتماعی را مطرح میکند، به جار و جنجال و گاه به تکفیر منجر میشود. در این مورد نیز همین وضع پیش آمد. رسولی نژاد نماینده مردم دماوند و فیروز کوه اظهار داشت این که یکی از دستاوردهای سپردن امور اقتصادی به امثال آن آتایی است که امروز شعار جدایی از اقتصاد و لاید فردا شعار جدایی دین از سیاست را سر میدهد و میخواید بگوید که اسلام یک دین یک بعدی و نقطه عبادی است. محافل حزب الهی از جمله روزنامه کیهان نیز به عادلی تاختند.

ولی در همین حال سروش در سخنرانی خود در دانشگاه اصفهان سخن عادلی را صحیح خواند و گفت: "سخن رئیس مرکزی که "توانین اقتصادی ربطی به ایدئولوژی ندارد" سخن بسیار محکم و صحیحی است." در ستون نامه های سردبیری روزنامه سلام نیز موضوع از جوانب مختلف مطرح گردید و مقالاتی نیز در این روزنامه چاپ شد.

این برخورد ها نشان میدهد که مسئله جدایی دین و ایدئولوژی از علوم، سیاست و اقتصاد بانها مختلف مرتباً از جانب برخی نیروهای جمهوری اسلامی مطرح میشود و هر بار نیز با عکس العمل تند واپس گرایان مواجه میگردد.

## تشدید فشار برای بازگرداندن مهاجران افغانی

در پی تصمیم دولت جمهوری اسلامی برای بازگرداندن پناهندگان افغانی به کشورشان که چندی پیش در توافق با دولت افغانستان و کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل صورت گرفت، اکنون خبر می رسد که دولت و مقامات محلی در استان خراسان برای تسریع بازگشت افغانی ها، آنها را زیر فشار قرار داده اند. هفته گذشته استانداری خراسان اعلام کرد از این پس به مهاجران افغانی در این استان هیچگونه خدمات رفاهی ارائه نمی شود. او در توجیه این تصمیم گفت تا زمانیکه امکانات رفاهی برای مهاجران فراهم باشد هیچیک از آنها به کشورشان باز نخواهند گشت. امتناع از ثبت نام فرزندان پناهنده افغانی در مدارس و تعطیل محل کسب و کار آنها در صورت خودداری از بازگشت، از جمله مواردی از فشارهاست. کمیساریای عالی امور پناهندگان ابراز نگرانی کرده است با سرهت گیری بازگشت افغانی ها، در تفضیه و اسکان آن ها دچار مشکلات جدی خواهد شد.

باتوجه به جنگ داخلی و اوضاع نابسامان افغانستان و سرمای زمستان، بازگشت سریع و اسکان صدها هزار مهاجر افغانی امکان پذیر نیست و اصرار دولت جمهوری اسلامی به اینکار فیر انسانی است که می تواند به فاجیع انسانی منجر شود.

**بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان را هر چه باشکوهرتر برگزار کنیم!**

**جشن سالگرد باشکوه هنرمندان:**

**کارک و عاشورپور**

خواننده مشهور ایران **خواننده باران و برج و بهار**

**زمان: شنبه ۶ مارس ۱۹۹۳ ساعت ۶ بعد از ظهر**

**محل: آلمان - بن**

**FORUM**  
Friedrich-Brauer-Str. 17  
5300 Bonn 3 - Tel. 02 28/46 03 79

فروش بلیط در محل جشن

**سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)**

## صدای ماندگار نوری

در میان جوانان و میان سالان پیش از انقلاب کمتر کسی است که "جان مریم" ترانه خوب و زیبایی محمد نوری را شنیده باشد. نوری که در خوانندگی صاحب سبکی نسبتاً چشمگیرش در هر صحنه موسیقی کشور در دهه های قبل، از چند سال پیش از انقلاب سکوت اختیار کرد و در مجامع همومی لب به خواندن ننگشود. اما دو، سه سالی است که وی سکوت خود را شکسته و دوباره به صحنه بازگشته است. این حضور دوباره با نوار "در شب سرد زمستانی" (آواز خوانی شعرهای نیاوشیچ) آغاز و با نوار "آوازهای سرزمین خورشید" ادامه یافته است. در هر دو نوارها صدای رسا، قدرتمند و در همین حال لطیف نوری گوش را مینوازد و شنونده احتمالاً آزرده از موسیقی همدتا حزین انگیز کشور و ترانه های نسبتاً آبی و بی محتوای تولید لوس آنجلس را وارد فضای جدیدی میکند.

نوری در دو سه ماه گذشته در اروپا بود و در کشورهای مختلفی برای ایرانیان برنامه اجرا کرد. استقبال نسبتاً چشمگیر از اجرای نوری نشان داد که شنونده ایرانی هنوز هم همدتا از کارهای خوب و پر محتوا لذت میبرد و موسیقی سنتی بحران زده و اجراهای کم مایه و به لحاظ هنری ضعیف اکثر خوانندگان خارج نتوانسته است ذوق و قدرت تشخیص هنری وی را یکسره نابود سازد.

نوری در مصاحبه ای با محمود فلکی که متن آن در ماهنامه آرش (شماره ۲۱ و ۲۲) چاپ شده است، دلیل سکوت خود در ۱۵ سال اخیر را اعتراض به رواج ترانه های آبی و رشد تارچ گونه خوانندگان بی هنر و ناوارد به موسیقی در قبال از انقلاب و سردرگمی در سیاست های هنری در سالهای بعد از آن اعلام کرده و میگوید: "از بس خوانندگان خودرو توی اجتماع جوشیدند، تفکر را از مردم گرفتند این نوع آوازها نه تنها به مردم اندیشه نمی دادند، بلکه اندیشیدن را از مردم میگرداند. آوازهای ساده، دور از هر گونه تکنیک آهنگسازی و شعری و بیگانه با ادبیات روز."

نوری در ادامه مصاحبه بر استفاده هر چه بیشتر از شعر معاصر در موسیقی تأکید کرده و میگوید: "ما باید از فضای کهنه گذشته کلاسیک نجات پیدا کنیم، البته میدانیم که در گذشته شاعران بسیار با ارزشی داشتیم که شعرهای با ارزشی سروده اند؛ ولی امروز به خاطر وجود شرایط و تفکرات نو حرکات متداول شعر و ادب و فرهنگ باید با همین شعر معاصر گام برداریم... ما باید این نوع شعرها را توی مردم بیاوریم و از این طریق با مردم رابطه ایجاد کنیم." نوری هم اکنون



مشغول ترانه سازی بر روی شعرهای شاعرانی همچون رضا براهنی، کاظم سادات اشکوری، محمود فلکی، محمد مختاری، جواد مجابی و... است. نوری میگوید که موسیقی سنتی ما با همه نوآوری هایی که در آن انجام گرفته، هنوز از ظرفیت و امکانات لازم برای آمیزش و همگامی با شعر معاصر برخوردار نیست. بحث و گفتگو میان احمد شاملو و محمد رضا طلفی نیز قسمتاً ناظر بر همین مسئله بود. برای مثال حتی نوارهایی همچون "زمستان" با آهنگ محمد رضا درویشی و صدای شهرام ناظری و یا "در گلستانه" با آهنگ کامکار صدای ناظری نیز به رقم آنکه آهنگ آن نسبتاً از موسیقی سنتی متمایز است، لیکن به سبب اجرای نسبتاً سنتی خواننده از شعرهای معاصر، چندان موفق و گیرا از آب در نیامده اند.

آیا اجراهایی به سبک و سیاق نوری در این زمینه ترین توفیق خواهد شد؟ تضاد در این باره را باید به زمان پس از انتشار کارهای جدید وی و دیگران وانهاد.



بخش همد نوار "آوازهای سرزمین خورشید" به ترانه های محلی اختصاص دارد. نوری در خواندن به لجه های گیلکی، مازندرانی و زبان آذری و... همچون گذشته موفق است و برای ایرانیان ناآشنا به این لجه ها و به قول خودش "دو زبان" خواننده است. خود وی در این باره چنین میگوید:

## وضعیت اسف انگیز کتاب در ایران

این رژیم با عدم کنترل جمعیت و ندانم کاری و انحصار طلبی، در راه مبارزه با بیسوادی و ارتقا آموزش عمومی هیچ گامی به جلو برنداشته است. از سوی دیگر رقم نان و فشار اقتصادی بر مردم نیز که از قبل سیاستهای رژیم دوچندان شده است، برای مردم نراقتی باقی نمیگذارد که به مطالعه بپردازند. وضعیت آزادی اندیشه در جمهوری اسلامی هم که عیان است و بی نیاز از بیان، علاوه بر آن هنگامی که رژیم در توزیع کافذ و وسایل چاپ با قیمت مناسب اولویت را به نهادها و قلمزنان مداح خود میدهد، انتشاراتی های "فیر خودی" ناچارند مواد مورد نیاز خود را به قیمت های گزاف از بازار آزاد تهیه کنند. این کار از یک سو به افزایش سرسام آور قیمت کتاب می انجامد و از سوی دیگر تمایل به چاپ و انتشار کتابهای پز مایه ای که فروششان مدت زیادی به طول میکشد را در ناشران از بین میبرد. در تمام سالهای پس از استقرار جمهوری اسلامی تنها در دوران آخر متصدی خاتمی بر وزارت

تعداد کل عنوان های کتابی که سالانه در ایران منتشر میشوند، از ۸ هزار مورد فراتر نمیرود. این رقم یکصدم عنوان های کتابی است که سالانه در هر صحنه بین المللی انتشار می یابند. لاریجانی وزیر ارشاد اسلامی در سخنانی به مناسبت آغاز سمینار بررسی طرح توسعه کتابخانه های کشور ضمن اعلام آمار فوق یادآور شد که تیراژ متوسط کتاب در ایران حدود ۴ هزار جلد یعنی کمتر از نصف حداقل تیراژ کتاب در سطح جهانی است. به گفته دیگر برای هر ۱۵۰۰۰ نفر جمعیت کشور از هر کتابی فقط یک نسخه انتشار می یابد.

وضعیت نابیناگر نشر کتاب در ایران معلول عوامل گوناگونی است. راست این است که جا افتادگی مطالعه و تیراژ بالای کتاب در هر جامعه به سطح آموزش اهالی، میزان فراغت آنها، آزادی اندیشه و قلم، وجود کتابخانه های متعدد و... مربوط میشود. کارنامه جمهوری اسلامی در همه موارد یاد شده سیاه است.

## رسم الخط فارسی نیاز مند دگرگونی

کامپیوتر کاسته است. در واقع آنچه که اخیراً بحث پیرامون تغییر و تحول در شیوه نگارش فارسی را همد ساخته، همانا رواج هر چه بیشتر کامپیوتر در عرصه های مختلف زندگی علمی، اقتصادی و فرهنگی و... کشور است. آن چنانکه گفته شد دشواری خط فارسی امکان بهره گیری همه جانبه از کامپیوتر را محدود می سازد. در واقع برای آنکه کامپیوتر بتواند متنی را بخواند، تصویر تک تک حروف آن متن را با تصاویری که در حافظه دارد مقایسه کرده و آنها را باز می شناسد. این کار برای خط چاپی لاتین نسبتاً آسان است، زیرا در این خط اولاً حروف جدا از هم نوشته می شوند (یعنی به هم نمی چسبند) و ثانیاً شکل هر حرف ثابت است و بسته به جای آن در کلمه تغییر نمی کند. اما خط فارسی هیچ یک از این دو ویژگی را ندارد.

در خط فارسی اکثر حروف به هم می چسبند و این خصوصیت، بازشناسی تصویری آنها را مشکل می سازد. مثلاً واژه "تسلیم" را در نظر بگیرید که از پنج حرف تشکیل شده و همه به هم چسبیده اند. آنچه مشکل را به مراتب فامض تر می کند این است که بعضی از حروف (آ، ا، د، ذ، ر، ز، ژ، و) به حرف قبل از خود می چسبند ولی به حرف بعد از خود نمی چسبند. مثلاً "ل" در کلمه "مقول" به ضرورت حرف "ق" که قبل از آن قرار گرفته باید جدا نوشته شود، در حالی که در کلمه "مقل" به حرف قبل از خود چسبیده است.

مشکل دوم اینکه حروف فارسی شکل ثابتی ندارند و اکثر آنها بسته به اینکه در آغاز، در میان، یا در پایان کلمه قرار گیرند و یا اینکه مستقل نوشته شوند چهار شکل متفاوت به خود می گیرند. به عنوان مثال، چهار شکل مختلف "ع" را در کلمات "مقل"، "معنی"، "منع"، "اطلاع"، "مقایسه کنید"، "نگاهی تازه به شیوه خط فارسی- محمد رضا باطنی آدینه شماره ۷۳-ص ۴۴). در پاسخگویی به ضرورت اصلاح خط فارسی و آسان سازی پردازش کامپیوتری آن، ماهنامه آدینه شماری از پژوهشگران و نظر مندان این عرصه را به بحث و چاره جویی فراخوانده که در میان آنها چهره هایی همچون کریم امامی، محمدرضا باطنی، ایرج کابلی، هلی محمد حشمتی، احمد شاملو، شفیعی کدکنی، کاظم کردوانی، موشنگ گلشیری و محمد صنعتی به چشم میخورند. این هیات هدف مشترک خویش را

بحث پیرامون شیوه نگارش فارسی (رسم الخط فارسی) از آغاز سده کنونی در محافل ادبی، علمی و سیاسی کشور مطرح بوده است. در سالهای دهه ۲۰ و ۳۰ پاره ای از سیاستگذاران، ادیبان و اهل دانش و فن با این دلیل که ترانه همگام و همراه شدن با تحولات فنی، اقتصادی و فرهنگی جهان غرب و نیز مبارزه با سنت پرستی از نزدیک سازی زبان فارسی به زبان های همد فربگی می گذرد، خواهان حذف الفبای فارسی و پذیرش الفبای لاتین بجای آن شدند. این در واقع همان راهی بود که ترکیه تحت رهبری آتاتورک برگزیده و نتایجی که از آن انتظار می رفت به بار نیآورد. یعنی نه علوم، تکنولوژی و فرهنگ ترکیه هم سو و همگام با آخرین پیشرفت های زمانه شده و نه سنتها و آیین های دست و پاگیر از این رهگذر رنگ باختند. در واقع پیشرفت های علمی، اجتماعی و فرهنگی پیوند تنگاتنگی با زبان و خط ندارند و هلا آنها را در جای دیگر باید جستجو کرد. هوامل همد پیشرفت و توسعه همانا سطح بالای آموزش عمومی، نماینده شدن تحقیق و پژوهش، جا افتادگی فرهنگ کار، مدیریت مناسب و بهره گیری از منابع و امکانات و مهمتر از همه وجود دمکراسی، عدالت و آرامش نسبی در جامعه می باشند. در این میان عناصری همچون خط و زبان یک کشور نمی تواند تأثیر چشمگیری بر رشد و یا عقب ماندگی آن داشته باشند. برای مثال نه رواج و رسمیت زبان و خط فرانسوی و یا انگلیسی در بسیاری از کشورهای آفریقایی، پشترفت و سعادت را برای این کشورها به ارمغان آورده و نه دشواری خط لاتین چینی موجب عقب افتادگی این جامعه از قافله علم و تمدن شده است.

همه این ها اما از دشواری رسم الخط فارسی و بایستگی اصلاح و بهینه سازی آن نمی کاهد. آقای ایرج کابلی در مقدمه نوشتار خود پیرامون اصلاح خط فارسی می نویسد: "الفبایی که بیشتر به کار زبان سامی و تحریفی می آید، هنگامی که به خدمت زبان هند و ایرانی فارسی در می آید، هم کارایی اش را از دست می دهد و هم باعث پوشیده و پنهان ماندن ویژگی های دستوری و آوایی زبان میزبان می گردد." (آدینه شماره ۷۳- فراخوان به فارسی نویسان... ص ۴۹). این نقصها و کمبودها هم فراگیری خط فارسی را دشوار کرده، هم ساختار آوایی و دستوری آن را محدود ساخته و هم از قابلیت پردازش آن با

داشت. کمبود شدید کتابخانه در سطح کشور و عدم تماس فعال کتابخانه های موجود با بازار کتاب نیز یکی دیگر از جنبه های بحران کتاب و کتابخوانی در ایران است. هم اکنون در سراسر کشور تنها ۵۰۰ کتابخانه وجود دارد، یعنی برای هر صدهزار نفر فقط یک کتابخانه موجود است. در اکثر این کتابخانه ها از کتابهای تازه و با کیفیت اثر چندانی نیست و قفسه های آنها بویژه پس از انقلاب همدتا با کتابهای متحجر و ارتجاعی انباشته شده اند. با توجه به آنچه که آمد، حل قطعی بحران کتاب در ایران نیز در گرو انجام تحولات دمکراتیک و اتخاذ سیاستهای اصولی دراز مدت در زمینه های فرهنگی، سیاسی اقتصادی و آموزشی است.

"اصلاح رسم الخط به نحوی که منطبق زبان فارسی و ارتباط آن با گذشته کاملاً حفظ شود" قرار داده و در جهت "یافتن راههایی برای بهره گیری از کارایی و امکانات کامپیوتر با حفظ اصالت منطبق خط و زبان فارسی" تلاش می ورزد.

کار سترگی که این هیات آغاز نموده، در واقع برعهده فرهنگستان زبان است. فرهنگستان زبان ایران که یک بار در فاصله ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ و بار دیگر در فاصله ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ حیات و فعالیت داشت، پس از انقلاب به کلی تعطیل شد؛ اما از اواخر سال ۶۸ دوباره نقادی به همین نام آغاز به کار کرده است. در میان اعضای این فرهنگستان که همدتا بر مبنای "تهدد" انتخاب شده اند از استادان ادبیات و زبان شناسان برجسته کشور تقریباً هیچکس حضور ندارد و طرف نزدیک به سه سالی که از تاسیس آن می گذرد هیچ فعالیت سازنده و تهربخشی نداشته است. همین انفعال فرهنگستان زبان و گسستگی رابطه آن با زبان شناسان و ادیبان برجسته کشور ظاهراً یکی از هوامل تشکیل "هیات اصلاح رسم الخط" بوده است. این نگرانی جدی است که جمهوری اسلامی این هیات را نقادی موازی فرهنگستان زبان تلقی خواهد کرد و وجود آن را بر نخواهد تابید. علاوه بر آن اگر این هیات از خشم و غضب جمهوری اسلامی درمان هم بماند، پیشنهادهایی که ارائه می کند زمانی جنبه عملی خواهند یافت که مورد اطمینان رسانه های گروهی قرار گرفته و از سوی آموزش و پرورش در نوشتن کتاب های درسی رعایت شوند و این ها همه تنها با موافقت ارگان های اجرایی و دولت امکان پذیر است. آیا

جمهوری اسلامی این هیات و پیشنهادهای آن را جدی خواهد گرفت؟ پاسخ این پرسش شاید در کوتاه مدت منفی باشد، لیکن ضرورت اصلاح رسم الخط فارسی به اندازه ای مبرم است که رژیم با به نتیجه کار هیات اکتفا خواهد کرد و یا فرهنگستان ناتوان و بی صلاحیت خود را به تهیه طرح ها و پیشنهادهایی در این زمینه فرا خواهد خواند، که این نهاد نیز چاره ای جز بهره گیری از پیشنهادات و طرح های "هیات اصلاح رسم الخط" نخواهد داشت.

## برای مقابله با "تهاجم فرهنگی"

حجت الاسلام محسن دهاگو، رئیس شورای سیاست گذاری صدا و سیما جمهوری اسلامی اعلام داشت، مصوبات شورای مذکور برای مقابله با "تهاجم فرهنگی" بزودی برای اجرا ابلاغ میشود. وی گفته است بحث تهاجم فرهنگی از چند ماه قبل در دستور کار گروه های کارشناسی شورای سیاست گذاری قرار گرفته و مجموعه کار برای طرح در شورا آماده شده است. دهاگو که دبیر ائمه جمعه استان تهران

نیز هست افزوده است "ائمه جمعه استان تهران با تشکیل جلسات متعدد مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن را بصورت جدی دنبال می کنند". دهاگو در همین گفتگو اقدام صدا و سیما مبنی بر انتخاب زنان چادری بعنوان گوینده اخبار تلویزیون را ستود و اعلام کرد نهادها، ارگان ها و انتشارات مختلف مردم با ارسال طومارهایی از این تغییر و بهبود وضعیت صدا و سیما قتردانی کرده اند.

## کارر اشتراک شوید

# خطر را باید جدی گرفت

علی اکبر قنبری

کشور ما در محاصره دایره کاملی از کانونهای تشنج و بی ثباتی است. از افغانستان گرفتار جنگ داخلی بی پایان تا عراق تقسیم شده به سه منطقه، و از ادامه جنگ در قفقاز تا وضع متشنج، مبهم و پر مخاطره خلیج فارس. خطراتی که از ناحیه این کانونهای ناامنی متوجه ثبات و تمامیت کشور ماست، بر کسی پوشیده نیست. اگر اوضاع در این مناطق همچوار، در جهت کاهش تنشها و تثبیت مرزهای تاکنون شناخته شده تحول نیابد تا احتمال نیست که آتش این ناامنیها دامن کشور ما را نیز بگیرد. اگر چنین چیزی اتفاق افتد، آنچه قبل از همه چیز در معرض تهدید قرار خواهد گرفت، یکپارچگی و تمامیت کشور است. و متأسفانه باید گفت در این زمینه، در منطقه حوادث و تحولات منطقه ما، تامل روشن و امید بخشی که مایه اندکی خوشبینی باشد، حداقل در حال حاضر وجود ندارد.

اما تهدیدی که متوجه ایران ماست، تنها از ناحیه وضع بحرانی منطقه و آتش در گرفته در کردار آن نیست. خطر آنجاست که بر زمینه چنین اوضاع نابسامان دوروبر ایران، سیاستهای بین المللی و به بیان روشنتر، سیاست جهان غرب نیز بر تشدید این بحرانها و تشدید خصومتها ملی و قومی قرار دارد، که در آن صورت دیر و یازود، کابوسی که مدتهاست ایرانیان نگران از آینده کشور را در خود می فشارد، بر احوالی می تواند به واقعیت مبولناک نابودی کشور بدل شود. در حال حاضر شاید نتوان روی مواردی انگشت گذاشت که دال بر وجود چنین گرایشی در سیاست های بین المللی در قبال منطقه ما باشد، اما سایه روشرها و زرمه های نگران

## خطر تهاجم خارجی؟

بیشتر اقدسی

اخیرا ایالات متحده در قالب متفقین مجدداً سر به سر گذاشتن با عراق را از سر گرفت. ایالات متحده حدود دو سال پیش در جریان "جنگ خلیج"، با تکیه بر خشونت و سببیت عراق را شکست داد و موقعیت آن را داشت تا در زمینه تعیین حکومت و حاکم عراق اعمال نفوذی کاملاً تعیین کننده نماید.

در سال های پس از جنگ مذکور نیز ایالات متحده بهر حال توانسته است سیاست های خود را رابطه با عراق را پیش برد. ولی در آزمون بوش رئیس جمهور وقت ایالات متحده تمایلی به تغییر حکومت بغداد از خود نشان نداد. وی ظاهراً به "عاده حیثیت از دست رفته ایالات متحده در ویتنام"، "تنبیه متجاوز و ایفای نقش "آزادبخش" رسمی و بدیل جهان بسنده کرد.

برخی ها انگیزه بوش از عدم تغییر حاکم بغداد را عدم وجود جانشین مناسب برای وی دانسته اند. صدق این ایده منطقی به نظر نمی رسد. سیاست تاکنونی نیز این نظر را تأیید نمی کند. عامل حمایت ایالات متحده از یک

شخص یا جریان در امر جانشینی قدرت در هر کشوری، نه لیاقت و درایت، بلکه میزان وابستگی و حمایت از ایالات متحده بوده است. نگارنده بر این ایده است که ایالات متحده در وجود عراق تنها بجهانی برای ادامه و افزایش هر چه بیشتر حضور نظامی خود در خاورمیانه و بویژه خلیج فارس می تراشد. نظر به ترکیب کشورهای منطقه، آن حکومتی در خلیج فارس که "تهدیدی" دائمی برای ایالات متحده محسوب می شود، نه عراق، که جمهوری اسلامی است. اگر بپذیریم که حضور نظامی رویه گسترش ایالات متحده در خلیج فارس متوجه حاکمان تهران است، باید اذعان داریم که خاک کشورمان در معرض تهدید نظامی از سوی "ناظم" جهان قرار دارد. این خطر حتی اگر نه فوری ولی قطعاً جدی است. از هر زوایه نگرشی جمهوری اسلامی سبیل بی چون و چرای حضور نظامی ایالات متحده در خلیج فارس است.

این واقعیت بویژه در شرایطی شایان توجه است که ایران پس از فروپاشی اتحاد

کننده بقدری هست، که این سؤال را هر روز برجسته تر از روز پیش طرح نماید که: آیا در نظم تازه ای که جهان ما رو به سوی آن دارد، منطقه ما چه حال و روزی خواهد داشت؟ آیا "نظم نوین جهانی" ایران ما را همچنان یکپارچه در خود پذیرا خواهد شد یا...؟

تا همین یکی دو سال پیش نظم و مناسبات حاکم بر جهان تضمین کننده یکپارچگی بسیاری از کشورها منجمله کشور ما بود. در مورد ایران، این امر قبل از همه ناشی از موقعیت جغرافیایی آن و بواسطه حضور اتحاد جماهیر شوروی در همسایگی ما بود. تأثیرات چنین موقعیتی را آشکارا در تحولات بعد از جنگ جهانی دوم شاهد بودیم. در حالی که مناطق مختلفی از جغرافیایی و دستخوش تغییرات جغرافیایی و تقسیم و تجزیه بود، کشور ما با وجود اشغال توسط ارتشهای بیگانه، سالم و یکپارچه ماند. آخرین نمونه تأثیر عامل بین المللی در حفظ مرزهای موجود ایران، تجاوز ارتش رژیم عراق به خاک کشور ما بود، که بی هیچ تردیدی تجزیه بخشی از خاک ایران یکی از هدفهای آن بود. ولی رژیم عراق هلیرقم برخوردار از حمایت وسیع امریکا و انگلیس و کشورهای عرب منطقه، نتوانست به مقاصد خود دست یابد.

اکنون اما، وضع کلی نسبت به سابق فرق کرده است. در نظم یا بی نظمی تازه جهانی که در پی فروپاشی شوروی در حال شکل گرفتن است، یا بواقع میخوانند به جهان تحمیل کنند، عامل بین المللی دیگر نه تنها به سود تثبیت مرزهای کنونی در منطقه ما عمل نمی کند، بلکه اگر لازم آید و سودمند افتد، بزبان آن نیز وارد عمل خواهد شد. امروز این خطر جدی است.

با وجود فروپاشی اتحاد شوروی و از بین رفتن اهمیت موقعیت ویژه کشور ما برای دنیای غرب در حلقه محاصره اتحاد شوروی، نگاه غرب هنوز بسوی کشور ماست و این بیش از آنکه بخاطر منابع نفتی ما باشد، بخاطر موقعیت ویژه کشور مادر منطقه و حوزه خلیج فارس است. منطقه ای که غرب هنوز همیقا وابسته به منابع انرژی آنست و بهمین دلیل هم این منطقه را در "حلقه مرکزی منافع" قرار داده است. آیا همین منافع و تأمین بی دردسر یا کم دردسر آن در توازن قوای کنونی منطقه و جهان، دنیای غرب را وسوسه خواهد کرد که در پی آرایشی "نوین" در جغرافیای سیاسی منطقه باشند؟

در مورد کشور ما، دستاویز - واقعی یا فیکر واقعی - بقدر کافی وجود دارد. از مناقشه بر سر جزایر تنب و ابوموسی گرفته تا صدور بنیادگرایی اسلامی، از

بطور مثال نمی توان از کنار این فرض یا احتمال (که اکنون از سوی برخی صاحب نظران طرح می شود) بسادگی گذشت که دنیای غرب برای "تامین باثبات نفت" از منطقه سرشار از منابع نفتی ما، سود خود را در آن ببیند که بجای کشورهای بزرگ منطقه همچون ایران و عراق با تکه پاره هایی بجا مانده از اینطرف و آنطرف، با کشورهای کوچکتر و طبعاً ضعیف تر، آسانتر می توان کنار آمد تا با کشورهای بزرگ و قوی تر، چنین فرضی بهیچوجه بر پندار استوار نیست. آناتکه دیروز جنگ را (جنگ ایران و عراق را)، بنا بر منافع خود طولانی تر می خواستند و طولانی تر هم کردند (چنانچه وزیر دفاع سابق انگلیس اصرار نمود)، چرا امروز ایران را و همانطور عراق را تکه و پاره نخواهند؟

با وجود فروپاشی اتحاد شوروی و از بین رفتن اهمیت موقعیت ویژه کشور ما برای دنیای غرب در حلقه محاصره اتحاد شوروی، نگاه غرب هنوز بسوی کشور ماست و این بیش از آنکه بخاطر منابع نفتی ما باشد، بخاطر موقعیت ویژه کشور مادر منطقه و حوزه خلیج فارس است. منطقه ای که غرب هنوز همیقا وابسته به منابع انرژی آنست و بهمین دلیل هم این منطقه را در "حلقه مرکزی منافع" قرار داده است. آیا همین منافع و تأمین بی دردسر یا کم دردسر آن در توازن قوای کنونی منطقه و جهان، دنیای غرب را وسوسه خواهد کرد که در پی آرایشی "نوین" در جغرافیای سیاسی منطقه باشند؟

در مورد کشور ما، دستاویز - واقعی یا فیکر واقعی - بقدر کافی وجود دارد. از مناقشه بر سر جزایر تنب و ابوموسی گرفته تا صدور بنیادگرایی اسلامی، از

واشنگتن به اقدام احتمالی نظامی علیه ایران نیست. لیکن این سیاست ها بعنوان بهانه ای مناسب برای ایالات متحده ایفای نقش می کنند.

واقعیت این است که رفع این بجهانه، بدون تغییر جدی سیاست های تهران در برخی زمینه ها محتمل به نظر نمی رسد. (البته پر واضح است که رفع این بجهانه نیز، تنها از حدت اوضاع می گاهد، ولی خطر را بکلی منتفی نمی سازد).

اما حکومت کنونی ایران حکومتی ایدئولوژیک است. در این حکومت ها، بویژه در آن دسته از حکومت های ایدئولوژیک، که بر اساس آئینی "کامل" بنا شده اند، دامنه تغییر مشی سیاسی محدود می باشد.

این واقعیت در شرایط و موضوع مشخص کنونی به این معنی است که بدون تغییر جدی در مشی سیاسی حکومت ایران، امکان رفع این بجهانه عینی نیست. ولی متأسفانه ذکر این نکته لازم است که انتظار تغییر مشی سیاسی از جمهوری اسلامی، انتظاری پرامید نیست.

این در مورد بجهانه، اما رفع حضور نظامی ایالات متحده در خلیج فارس و خطر حمله نظامی به کشورمان، امری است بسیار بفرنج تر، که فاکتورهای مختلفی در آن نقش دارند. بررسی این امور در گنجینه این نوشته نیست.

## در باره یک هوا فریبی

ف. تابان

همه گزارشها، خبرها و واقعیت ها از "بن بست" حکومت رفسنجانی حکایت دارند. آنچه در چندماه گذشته شاخص این بن بست به شمار میرفت، تحدید قدرت سیاسی رئیس جمهور هم در حکومت و هم در میان مردم بود. اما آنگونه که پیداست، این بن بست خود بر بستر ناکامی ها و شکستهای بزرگ اقتصادی که گریبان دولت را گرفته، پدید آمده و تشدید شده است. محور اساسی برنامه های که دولت رفسنجانی کار خود را بر اساس آن آغاز کرد، سیاستهای اقتصادی بود که بتدریج به سیاستهای تعدیل، آزاد سازی و خصوصی سازی، مشهود شد. اکنون در ماههای پایانی نخستین دوره ریاست جمهوری رفسنجانی تقریباً همه ارزشهای در بیانهای محتاطانه حاکی از عدم پیشرفت و بن بست در این سیاستها و در بیانی صریح تر حاکی از شکست آنهاست. ناکامی سیاستهای اقتصادی دولت که بخشهایی از حکومت هم آن را مورد تأیید قرار می دهند؛ رکود دوباره تولید و ملایم هر چه بارزتری می یابد.

در باره هلال این ناکامی ها روایتی مختلفی از این روایتها که از همده ترین آنها نیز هست به انحاء مختلف و به گونه ای مستمر از سوی دولت هم تبلیغ می شود، این است که: نمی گذارند رفسنجانی کارها را پیش ببرد و همزمان؛ مشکلات و ناکامی ها، مشکلات دوران گذار و بالنتیجه طبیعی است و اگر هم بن بست هست، بن بست است که مجموعه جامعه بدان دچار است و ربطی به سیاستهای دولت ندارد. از این مقدمات نتیجه گرفته می شود که راه - با اندکی پس و پیش - همان است که رفسنجانی می رود و نمی تواند هم مطرح باشد.

این واقعیتی است که رفسنجانی در پیشبرد برنامه هایش با مخالفت های جدی روبروست، اما از سوی چه کسانی؟ در حکومت مخالفت با سیاستهای اقتصادی رفسنجانی کم نیست.

در کشورهای بزرگ غربی و بانکهای جهانی، سرمایه داران ایرانی و بخش خصوصی که رفسنجانی موقعیت خود را متکی به آنها ساخته بود نیز بی اعتمادی نسبت به اقدامات رفسنجانی آن اندازه بوده است که انتظارات او را برآورده نکرده و به امیدهایش واقعیت نبخشيده است. اما کانون اصلی مخالفت با سیاست تعدیل اقتصادی بتدریج به میان مردم منتقل می شود. زیرا این برنامه تاکنون جز تشدید فقر و مسکنت برای آنان ثمر دیگری نداشته است و چشم انداز بهبود اوضاع نیز دیده نمی شود. بسیاری از جنبه های این برنامه از واهمه و انکنش های اعتراضی مردم کند می شود، تغییر شکل می یابد به عقب می افتد و اجرا نمی شود. دولتمردان بر خلاف گذشته نه چندان دور مجبور شده اند ملاحظه ناراضیتی همومی را

خود تمکین کنند؟ توده های مردم علاقمند به کشور، طیف گسترده کارشناسان، روشنفکران و متخصصان و بالاخره منابع و ثروت های عظیم ملی سرمایه هایی هستند که قادرند امکاناتی بسیار فراتر از برنامه های ریاضت کشانه کنونی برای پیشرفت و شکوفایی اقتصادی فراهم سازند. باید شوق و احساس مشارکت در سازندگی کشور در میان مردم و متخصصین برانگیخته شود و این ممکن نیست مگر آنکه ساخت دیکتاتوری قدرت تغییر کند و نیروهای سازنده از زنجیر استبداد رها شوند.

# دیدگاهها، مواضع و جایگاه کنونی

## “خط امام”

بهروز خلیق

### مسائل فرهنگی

دیدگاه خط امامی‌ها در این زمینه متمایز از واپس‌گرایان است. آنها می‌گویند که در هیچ عصر و زمانی ملت‌ها را از تبادل فرهنگی میان یکدیگر گریزی نبوده است. اگر بخشی از آنچه “تجاجم فرهنگی” گفته میشود امر برنامهریزی شده باشد، قسمت اعظم آن ناشی از تحولات تکنولوژیک است که امر انتقال عناصر فرهنگی را ساده کرده است. آنها بر این نظرند که بدون حفظ عناصر پایه‌ای فرهنگ ملی، امکان هویت دادن به ملت وجود ندارد و این امر ممکن نیست مگر با ایجاد کردن محیطی آزاد و بدون از هم‌پاها و جنجالهای تبلیغاتی و غیر قانونی علیه فعالین هرصه فرهنگی. “باید آزادی و امنیت اجتماعی را گسترش داد و اعمال و شیوه‌های آزادی‌گش و اندیشه‌سوز را بایدممنوع ساخت” (تجاجم فرهنگی و شیوه‌های مقابله با آن - محسن آرهمین - سلام ۱۲ آبان ۱۳۷۰)

### فقر و نابرابری

خط امامی‌ها هم چنان بر مواضع خود در مورد تحقق عدالت اجتماعی، رفع فقر و نابرابری پای می‌نشانند و آنرا یکی از شعارهای مهم انقلاب اسلامی بحساب می‌آورند. آنها می‌گویند بی‌توجهی به فقر و نابرابری منجر به افزایش بی‌ثباتی اجتماعی و ایجاد بحران میشود. هزینه‌های که بازگرداندن ثبات به چنین جامعه‌ای تحمیل میکند در موارد فراوانی بیش از هزینه‌ای است که در اصل برای رفع این فقر و نابرابری می‌بایست پرداخت. در محیطی که فقر و نابرابری افزایش می‌یابد، بخصوص برای جامعه‌ای که دوران اقتصادی بهتری را تجربه کرده باشد، هوارض روحی و اخلاقی و روانی متعددی گریبانگیر افراد میشود که این هوارض خود ممانعی جدی در راه توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌باشد.

### مسائل اقتصادی

در مطلب “دیدگاههای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ما” (مندرج در روزنامه سلام) گفته شده است: “مادر صد دفاع بی‌چون و چرا از گذشته نیستیم، بخصوص تاکید بی‌جای گذشته بر تثبیت نرخ ارز راضلطمی دانیم ولی معتقدیم نمی‌توان با مردود دانستن سیاستهای گذشته به اثبات سیاست‌های کنونی پرداخت”. و اضافه شده است که سیاست تعادل وقتی مفید است که همه شرایط را به نفع تولید تغییر دهد، سرمایه‌گذاری را بخصوص از جانب بخش خصوصی و آن هم در هرصه‌های تولیدی افزایش دهد و منجر به رشد بیشتر صادرات نسبت به واردات شود. این سیاست وقتی مطلوب است که وضع مالیات‌ها به نحوی اصلاح شود که به سهم مالیات‌های مستقیم (آن هم نه فقط از حقوق بگیران) افزوده شود.

آنها در مورد نقش بخش خصوصی می‌گویند زمانی که زمام امور اقتصادی به بخش خصوصی سپرده شود راه زیادی داریم، ولی نباید میان دو بخش خصوصی و دولت تضاد منافع ایجاد یا تصور کرد. اگر منافع هر جزیی از بخش خصوصی هم جهت با منافع ملی باشد، سپردن امور آن جز به بخش خصوصی نه تنها اشکالی ندارد که لازم هم هست. در این مورد تقویت بخش خصوصی تولیدی کاملاً مورد تایید است.

در همین حال آنها می‌گویند میان قبول ساز و کار بازار با خصوصی سازی تفاوت وجود دارد و اضافه میکنند که شکست خصوصی سازی کارخانجات در ایران ناشی از مستعد نبودن بخش خصوصی برای حضوری کارآمد در هرصه تولید است.

### مواضع بین‌المللی

خط امامی‌ها هم چنان بر مبارزه “ضدامپریالیستی” تاکید دارند. آنها می‌گویند نظم نوین چیزی جز سلطه یکجانبه امپریالیستی نمی‌باشد و قبول این نظم و حل شدن در آن چیزی جز تسلیم طلبی نیست و آنها که مدعی‌اند مقاومت در برابر این نظم به مرگ می‌انجامد، نمی‌توانند برای فرار از آن تن به خودکشی بدهند. خط امامی‌ها معتقدند که برای جهان سوم امکان مقاومت در برابر نظم تحمیلی امریکا میسر است و برای حفظ بقای خود باید هم چنین کنند.

### ارزیابی از تحولات و موقعیت خط امام

از دست دادن موقعیت برتر در حکومت و قرار گرفتن در جایگاه اپوزیسیون درون حکومتی،

تنگ خود را بر نمی‌تابد و با حربه تکفیر، اتهام و میامو در صدد حذف دیگران بر می‌آید. به نظر آنها این جریان از درک مقتضیات زمان و مکان عاجز است و بنام دین و ولایت با هرگونه تفکر و تحول در ستیز است.

خط امامی‌ها در گذشته پیرو بی‌چون و چرای خمینی به عنوان ولی فقیه بودند و به مخالفت با کسانی بر می‌خواستند که در ولایت بی‌قید و شرط او تردید میکردند. امام‌امروز می‌گویند که پس از امام، چون ولایت فقیه در چارچوب و بواسطه قانون اساسی تحقق پیدا کرده است لذا حدود و ظایف و اختیارات آن در چارچوب قانون اساسی است یعنی ولایت “ولی فقیه” مشروط است. مهدی سردبیر روزنامه سلام می‌گوید که هر فتوایی در مقام اجرا آنگاه برای عموم الزام‌آور است که در قالب قانون بیان شود.

### جمهوریت

خط امامی‌ها رکن اصلی دیگر “نظام” را جمهوریت میدانند و معتقدند که باید برای مردم را مینا قرار داد و در عمل بان پای بند بود. بنظر آنها مردم صاحب اصلی انقلاب و کشور هستند و میزان رای مردم است. و این رای در استقرار همه ارکان نظام حتی رهبری نیز اصل و نافذ است. آنها در همین حال معتقدند که منشاء مشروطیت نظام رای ملت است بلکه بقا حکومت هم مشروط به آن است. خویشی‌ها می‌گویند: “میزان حق و باطل برای مردم است. اگر مردم نخواهند بنده باید کنار بروم، نه آنکه اگر بنده نخواستم مردم باید کنار روند.”

### آزادیهای سیاسی

آزادی یکی از شعارهای اصلی انقلاب بهمن بود. اما رژیم اسلامی در دوره حیات خود مخالفین را به شدیدترین وجه سرکوب کرد و دیکتاتوری مذهبی را بر کشور حاکم گرداند. خط امامی‌ها در سرکوب دیگران و نشان دادن نقش جدی داشتند. اما در این چند سال که در موضع اپوزیسیون ائتلاف حاکم قرار گرفته و فشارهای شدیدی را متحمل میشوند، برخوردشان نسبت به مسئله آزادی تغییر کرده است. امروز آنها می‌گویند آزادی یک ارزش مهم در جهان فعلی است و رعایت آزادی برای ثبات و توسعه جامعه ضرورت انکارناپذیر است. و آزادی می‌بایست شامل کلیه مظاهر مشروع خویش از قبیل آزادی مطبوعات، کتاب، احزاب و جمعیت‌ها، تجمعات و شیریه باشد و دولت جمهوری اسلامی موظف است کلیه امکانات خود را برای تامین آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم در حدود قانون بکار گیرد. بنظر آنها رشد اندیشه و فکر و اصلاح امور بدون وجود انتقاد میسر نیست و انتقاد و آزادی دو روی یک سکه هستند. به میزانی که یکی محدود شود در واقع آن دیگری محدود شده است.

خط امامی‌ها می‌گویند که جریان و گروهی در داخل کشور میکوشد اسلامی بودن نظام را در مقابل جمهوریت آن، شرح را در برابر رای مردم، دین را در برابر عقل، تبحر و قشرگرایی و تقدس‌مآبی را در برابر تدین و تقدس واقعی قرار دهد و استبداد، اختناق و انحصارگری را حاکم گرداند و هرگونه آزادی‌های فردی و اجتماعی را در هرصه سیاست، قلم، بیان و فرهنگ و هنر را با حربه قرب زدگی و لیبرالیسم ذفن نماید.

خط امامی‌ها با وجود این گفته‌ها، از فعالیت آزادانه نیروهای اپوزیسیون دفاع نمیکند و در مقابل اعدام و سرکوب مخالفین موضع نمی‌گیرند.

### حاکمیت قانون

آنها مدعی‌اند که حاکمیت صدها ساله پادشاهان مستبد و نظام خان‌خانی هیچگاه اجازه نداده بود که مردم ایران طعم لذت بخش حاکمیت قانون بر روابط اجتماعی و حقوق فردی و عمومی خویش را بچشند. بعد از انقلاب اسلامی حاکمیت فرد به حاکمیت قانون تبدیل شد ولیکن در بسیاری موارد به دلایل منافع و با توجهات کوتاه مدت باها قوانین نقض گردید و موجب شد که بی‌توجهی به حاکمیت قانون به عنوان یکی از ویژگی‌های رفتاری افراد جامعه در آید.

بنظر آنها رشد و توسعه جوامع امروزی مستلزم تحقق شرط حاکمیت قانون است و انواع مشارکتهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تنها موقعی محقق میشود که مشارکت کنندگان اولاً از حقوق نسبتاً معین و قانونی برخوردار باشند و ثانیاً استیغای این حقوق را در هر لحظه ممکن و میسر بدانند.

خط امام انتخبات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی را باخت و اکثریت را در مجلس از دست داد. بعد از انتخابات خط امام دیگر مثل قبل در صحنه سیاسی کشور مطرح نبوده و در روند سیاسی درون حکومت تاثیر چندانی ندارد. ولی بعنوان بخشی از نیروهای اسلامی در جامعه حضور داشته و اکنون به مثابه یک نیروی سیاسی مطرح می‌باشد.

این نیرو مدتی است که تحولاتی را در هرصه دیدگاهی، خطوط برنامه‌های و مواضع سیاسی پشت سر میگذارد و بزعمین پایه تفکیک‌هایی در صفوف آن انجام میگیرد. با توجه به این فرایند و نشی که این نیرو و نیروهای هم‌سخن آن در تحولات سیاسی کشور دارند، شناخت دیدگاهها، مواضع و جایگاه کنونی برای نیروهای اپوزیسیون از اهمیت برخوردار است.

### شکل گیری “خط امام”

نیروهای مذهبی شرکت کننده در انقلاب بهمن طیف متنوعی را تشکیل میدادند و گرایشهای مختلفی را نمایندگی می‌کردند. بعد از انقلاب تمایزها در بین نیروهای مذهبی آشکارتر گشت. بخشی از آنها نظیر مجاهدین، امتی‌ها، نهضت آزادیها، جامائاتی‌ها و بنی‌صدر بتدریج از جمهوری اسلامی فاصله گرفته و به تقابل با آن برخاستند. در بین بقیه طرفداران جمهوری اسلامی که در حقیقت نیروی “خلص” نظام” بودند، دو گرایش شکل گرفت که بتدریج به دو جناح حکومتی فراز و نودید.

جناح رسالت و جناح خط امام. جناح رسالت محصول پیوند تاریخی روحانیت سنتی و تجار بازار بود ولی خط امام در جریان انقلاب و در سالهای بعد بر پایه شعارهای انقلاب بهمن و دیدگاهها و مواضع خمینی بوجود آمد. گرچه مجموعه نیروهای جمهوری اسلامی در هدایت کشور نقش داشتند ولی خط امام جریان قالب در حکومت اسلامی تا سال ۶۸ بود و امرهای اصلی قدرت را در دست داشت.

گرایشها و دیدگاههای مختلفی در درون خط امام وجود داشت ولی با توجه به عملکرد آن در طی ده سال میتوان محورهای زیر را بعنوان خطوط تکراری و برنامه‌های آن جمع زد:

- اعتقاد به اسلام “ناب محمدی” و ولایت فقیه و ائمه‌پویا و پیروی بی‌چون چنان خمینی.
- اعتقاد به صدور انقلاب اسلامی و مبارزه علیه غرب و شرق و بویژه آمریکا.
- گرایشهای ضد سرمایه‌داری، حمایت از مستضعفان، طرفداری از اقتصاد دولتی و تعاونی و مخالفت با باقر تگری تجار.
- تنگ نظری و انحصار طلبی و اعتقاد به سرکوب شدید مخالفین حکومت اسلامی.
- خط امام همراهِ با سایر نیروهای حکومتی در طی ده سال جامعه ما را به بحران عمیق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سوق دادند و به کشتارها و فجایع بی‌سابقه‌ای دست یازیدند.

### تحولات در بین بخشی از نیروهای خط امام

در تغییراتی که بعد از مرگ خمینی انجام گرفت، خط امام به موقعیت جناح غیر مسلط رانده شد. توه اجرایی و توه قضائیه از دست آنها بیرون آمد و تنها اکثریت مجلس شورا در دست آنها باقی ماند. ائتلاف حاکم در جهت تضعیف خط امام گام برداشت و نیروهای آنرا از نهادها و ارگان‌ها تصفیه نمود. خط امام در این روند ضربات کاری خورد. ائتلاف حاکم آخرین ضربه را در انتخابات دوره چهارم مجلس شورا وارد آورد.

بررسی مواضع خط امام نشان میدهد که در این چند سال بخشی از نیروهای آن از دیدگاهها و مواضع گذشته فاصله گرفته و به مواضع جدیدی دست یافته‌اند که در اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و در روزنامه سلام بازتاب یافته است. در جریان انتخابات دوره چهارم مجلس شورا و بعد از آن جریان‌های مختلف خط امام دیدگاهها و مواضعشان را اعلام نمودند. مجموعه مواضع اعلام شده نشان میدهد که کلیتی از این نیرو و نظرات و مواضع تا حدودی نزدیک به هم شکل گرفته است و تمایز آشکاری بین اینها با چیرانی که در آن زمان هم جزء تندروترین و سرکوبگرترین نیروی خط امام بودند، وجود دارد. محتشمی، خلخالی و فغاری و هم‌فکران آنها هنوز بی‌کم و کاست بر آن مواضع پای می‌نشانند و از آن دفاع می‌کنند.

دیدگاهها و مواضع کنونی بخشی از خط امام عبارتند از:

### اسلام و ولایت فقیه

آنها اسلام را بعنوان رکن اصلی انقلاب و نظام میدانند. به نظر آنها اگر اسلامیت انقلاب و نظام را از آن بگیریم چیز جدیدی برای ارائه به دنیا و بشریت امروز وجود نخواهد داشت. آنها از اسلام “ناب محمدی” پیروی میکنند و معتقدند که این اسلام در معرض دو خطر جدی است. خطر جریانی‌های دین ستیز که در صدد ناتوان جلوه دادن اسلام در اداره امور و تامین حقوق و آزادیهای ملت هستند. و دیگری جریان تجسر و واپسگرایی که سواي بيش

# اجتماعی کردن سوسیالیسم

سوسیالیسم، چیزی که در تئوریا و دکترین های نظامی جهان

در ماه سپتامبر امسال شغیق مندل حضورهبری ۵ نفره FMLN جهت یک سری مذاکرات سیاسی در آلمان بسر برد. در روز ۱۸ سپتامبر هم نشستی با فعالین جنبش همبستگی داشت. او در این جلسه ۵ ساعته پیرامون یک سری از مسائل و مشکلات سیاسی روز و پروسه صلح در السالوادور صحبت کرد و پروسه صلح را مثبت ارزیابی نمود. او که دبیر اول حزب کمونیست السالوادور نیز هست در آخر این جلسه راجع به دور نمای نو سازی سوسیالیسم و دموکراسی اجتماعی نظراتش را اعلام نمود. متن این صحبت از زبان آلمانی ترجمه شده است.

## \* آیا جبهه هنوز برنامه سوسیالیستی را تعقیب می کند؟ اصلا طرح و برنامه سوسیالیستی چیست؟

در جبهه وحدت وسیعی نسبت به برنامه تحولات دموکراتیک که با امضاء قرارداد صلح شروع شده، وجود دارد. این قرارداد دربرگیرنده همه آن عناصری نیست که برای تحولات دموکراتیک لازم است. اما تعداد بسیاری از این عناصر در این قرارداد موجود است. این قرارداد تقریباً برنامه یک انقلاب دموکراتیک است. البته این بدان معنا نیست که این انقلاب با امضاء این قرارداد به وقوع پیوسته است، ولی بدین ترتیب راه رسیدن به آن هموار شده است. حالا بایستی که تمامی این قرارداد تعقیب یافته و واقعیت پیدا کند. در این رابطه قدمهای زیادی بایستی برداشته شود، یکی از آنها تغییر دادن مناسبات قدرت می باشد. وحدتی که بر سر برنامه تحولات دموکراتیک وجود دارد، مهمترین رکن وحدت جبهه است. در همین حال درون جبهه نظرات متفاوتی راجع به اهداف تاریخی و آرمان جبهه نیز وجود دارد. و من نگره می کنم که این خیلی طبیعی است که امروزه نظرات متفاوتند. ما به این نتیجه رسیده ایم که این بحث را ادامه بدیم و همه هم این آزادی را دارند تا نظرات خود را درون و یابرون جبهه بیان کنند. ما معتقد هستیم که می توانیم یک بحث جدی راجع به پیش برده و از تجارب عملی که در هر صحنه جهانی وجود دارد استفاده کنیم تا شاید بتوانیم بعضی از اتفاقات سالهای گذشته را روشن کنیم. کسی نمی خواهد برنامه سوسیالیستی را کنار بگذارد. مسئله اصلی امروز بیشتر این است که برنامه سوسیالیستی یعنی چه؟ یک چیز کاملاً روشن است: تکثر و طرح سوسیالیستی بایستی نو سازی بشود. در این رابطه هم، بحران سوسیالیسم واقعا موجود مواد لازم را در اختیار می گذارد. این بحران انسان را از دکماتیسیم رها کرده و او را وادار می کند تا خودش فکر کرده و واقعیتها را تحلیل نماید و راههایی را پیدا کند که از قبل حاضر و آماده نشده اند. یعنی یافتن مدل جدیدی از سوسیالیسم. در اینجا دیگر نمی توانیم برای تمام جبهه صحبت کنیم، همانطور که گفتیم در این مورد وحدت نظر وجود ندارد. به نظر

که ما بگوئیم، برای نو سازی سوسیالیسم بایستی که اول سوسیالیسم مسئله جامعه بشود، سیستمی بشود در دست جامعه و نه در دست دولت. منظور ما در اینجا تنه مناسبات مربوط به مالکیت ابزار تولید نیست بلکه مناسبات در همه اجتماع می شود. سوسیالیسم بایستی اجتماعی بشود و همانطور که در جهرش است در اختیار تمامی جامعه قرار گیرد. جامعه سوسیالیستی که در همه هر صحنه جهت دهنده و نیروی تعیین کننده باشد. طبیعتا بایستی جامعه های باشد بدون استثمار انسان از انسان و بخاطر تجربه هایی که شده بهتر است به آن اضافه شود، و بدون استثمار انسان توسط دولت می بایست جامعه های انسانی در همه هر صحنه ها باشد، جامعه های که در آن حقوق بشر مکان والایی دارد و اجرا هم میشود و بالاخره یک جامعه همبستگی.

یک عنصر دیگر رابطه بین فرد و جمع است این رابطه باید از نو تنظیم شود. این شیوه تفکر که جمع همیشه و مطلقا نسبت به منافع فرد تقدم دارد باید کنار گذاشته شود.

در یک جامعه همبستگی با وجدان آگاه اجتماعی بایستی که فردیت و خلاقیت شخصی امکان رشد داشته باشند و این در جوهر خودش یک جامعه دموکراتیک می باشد. ما مخالف طرح سوسیالیسم دموکراتیک هستیم، چرا که اگر دموکراتیک نباشد سوسیالیستی هم نیست یک جامعه سوسیالیستی هم چنین یک جامعه دموکراتیک است که چهار چوب دموکراسی بورژوازی

در اینجاست که ما مسئله بایستی که در فاز گذار به سوسیالیسم حل شده باشد. این تغییر شکل دادن دموکراتیک را ما بعنوان یک قسمتی از گذار به سوسیالیسم می بینیم. ما فکر می کنیم که گذار به سوسیالیسم در جهان سوم از طریق انقلاب دموکراتیک و انقلاب ضدامپریالیستی اصطلاحی که امروزه دیگر از آن استفاده نمی شود - انجام می گیرد.

در اینجا دموکراسی عنصر بسیار مهمی است. می بایست جامعه های جهان سازماندهی یافته باشد که پیشرفت را در همه هر صحنه با بطلد و به آن احتیاج داشته باشد، همانطور که انسان به اکسیژن احتیاج دارد. سوسیالیسم واقعا موجود ثابت کرد که ظرفیت این کار را نداشته است.

در اینجاست که ما مسئله بایستی که در فاز گذار به سوسیالیسم حل شده باشد. این تغییر شکل دادن دموکراتیک را ما بعنوان یک قسمتی از گذار به سوسیالیسم می بینیم. ما فکر می کنیم که گذار به سوسیالیسم در جهان سوم از طریق انقلاب دموکراتیک و انقلاب ضدامپریالیستی اصطلاحی که امروزه دیگر از آن استفاده نمی شود - انجام می گیرد.

چیزی که به اقتصاد مربوط می شود یعنی مالکیت وسایل تولید، ما فکر می کنیم که بخصوص در کشورهایی مثل کشور ما

اشتباه خواهد بود اگر تنها یک فرم مالکیت وسایل تولید وجود داشته باشد. البته ما معتقد هستیم که مالکیت دولتی بایستی که در بعضی از بخش های اقتصادی وجود داشته باشد ولی ندر همه هر صحنه ها در چهار چوب این طرح و قتیکه سوسیالیسم اجتماعی می شود در نتیجه بایستی که یک قسمت بزرگ از ابزار تولید به بطور سمبولیک بلکه واقعا در دست جامعه باشد. ما معتقد هستیم که در کنار اشکال مختلف مالکیت اجتماعی در فاز گذار به سوسیالیسم که نسبتا طولانی خواهد بود هم چنین مالکیت خصوصی بر ابزار تولید هم می تواند وجود داشته باشد. هر مورد گذار هم ما معتقدیم که بایستی راجع به رابطه بین اقتصاد و سیاست از نو تفکر نمود. این سئوالی است که تمامی جنبش چپ را در هر صحنه جهانی به خود مشغول داشته است. به نظر ما این مطلقا مهم است که خود را از این اندیشه که تعیین کننده همه چیز اقتصاد است رها کنیم. حداقل در امریکای لاتین مسائل به شکل دیگری است. رفیق ما مثال خیلیی تحت رهبری سالوادور آلنده را آورد، مثال دیگر پرو تحت رهبری ژنرال ألفارادو می باشد.

این دولت تغییرات بزرگ اقتصادی را بدون تغییرات سیاسی به پیش برد. این دولت می توانست کنترل دستگاه دولتی را تضمین کند تا این دستگاه دولتی چهار چوبی را برای رشد جامعه جدید بوجود آورد. هم زمان با سرنگونی این دولت همه آن تغییرات اقتصادی هم نابود شد. به همین خاطر ما معتقد هستیم که تغییرات سیاسی بایستی پیشگام تغییرات اقتصادی باشد. یعنی بایستی که یک دموکراسی سیاسی قبل از دموکراسی اقتصادی بوجود بیاید. تغییرات سیاسی هم می بایست که تضمین کننده این امر باشد تا قوه تصمیم گیری در دست جامعه باشد. در اینجا به مسئله قدرت هم بایستی که از دیدگاه جدیدی نگاه کرد، نمی توان به یک حزب نقش پیشگام را داد تا به قدرت برسد و بعد پدرا نه فوائد سوسیالیسم را تقسیم کند. بر عکس جامعه در مجموع و تولید کنندگان هر چه بیشتر و بیشتر قدرت را در اختیار داشته باشند و اساسا جامعه هلاک مند به مدل جدید دموکراسی

دموکراسی بورژوازی بزرگ. این بریدن را نمی توان بیشتر از این با متونی که جهت طبقاتی دارند استدلال کرد. بلکه این بریدن باید که برای جامعه قدرت بیشتری را به همراه بیاورد. این آن عنصر اصلی پروسه گذار برای ماست، وقتی که ما به این نسیم به هیچ چیز دیگر هم نمی رسیم نه سوسیالیسم و نه چیز دیگری.

طرح دیکتاتوری پرولتاریا نه مشکلی را در امریکای لاتین و نه در جهان سوم می تواند حل کند. اول بخاطر اینکه در واقع پرولتاریای رشد یافته وجود ندارد. دیکتاتوری پرولتاریا یک فرضیه ایدئولوژیکی است که پایه های قرص آنچنانی ندارد و می توان به پیش برد. نمونه امریکای لاتین نشان داد که طبقه کارگر آن طبقه انقلابی نیست، من نمی دانم که در کشورهای دیگر چگونه بوده است اما فکر

می کنم در هیچ جای دیگری از جهان هم چنین چیزی وجود نداشته است. وقتی که به این درک جنگ واکتور می بینیم که انقلابی وجود داشته اند ولی این بدین معنا نیست که کارگر انقلابی است، بر عکس او بیشتر تمایل به اکونومیسم و فرم دارد. \* آری، اما بایستی از خود سؤال کرد که چرا چنین تمایلی وجود دارد؟

چرا! این چراها، چراهای دیگری را در خود دارند، اما بایستی که این تراد در هر صحنه عمل صد سال گذشته مورد ارزیابی قرار دارد. پروسه انقلابات در این زمان چگونه بود، پیشگامان شیر از دیکتاتوران، روشنفکران و کارگران انقلابی نبودند یعنی که یک طبقه به تنهایی انقلابی وجود ندارد. پس نیروهای انقلابی چگونه به وجود می آیند؟ این مشکلی است که باید با توجه به شرایط مشخص هر کشوری حل شود و نه بایک دکم از پیش تعیین شده. به هر حال سناریوی انقلابات قرن بیستم نه در کشورهای رشد یافته سرمایه داری که در کشورهای جهان سوم بوقوع پیوسته است. بکار بستن دکم های خشک باعث اشتباهات و رشد و تکامل فلف ایدئولوژی شده که نمی تواند قابل قبول باشد. چیزی که مهم است اینست که می بایست یک نیروی انقلابی تشکیل شود که رابطه ای تنگاتنگ با جامعه داشته باشد. در رفیر این صورت گذار به سوسیالیسم غیر ممکن است.

این پارامترها البته شامل احزاب می شود. ما گذشت زمان اشکال مختلف سازماندهی بیستم مثل احزاب، سندیکاها و دیگر اشکال سازمانی، حرکت های اجتماعی رابه بحران کشیدند. بنظر می رسد که این شیوه های سازماندهی به آخر خط رسیده اند. راجع به این مسئله هم می بایست که فکر کرد. هر چیزی که می آید، بسط و توسعه پیدا می کند، رشد می یابد و بعدش می میرد و نابود می شود. این در مورد شکل احزاب و سازماندهی سندیکایی و فیریه هم صدق می کند. آن چیزی را که مادر حال حاضر در امریکای لاتین تجربه می کنیم اینست که اعتماد به احزاب با هر پیشینی که می خواهد باشد - از بین رفته است و آنها برای مردم قابل قبول نیستند.

انعکاس خواسته های خود را در این احزاب نمی بینند. \* شاید هم علت عدم اعتماد مردم نسبت به احزاب سیاسی امریکای لاتین این باشد که همه این احزاب هدفشان به قدرت رسیدن بوده است؟ - خوب، اما احزابی هم بودند که بر سر قدرت بوده اند. \* برای مثال نیکاراگوئه آزاد، طرح ما بدون قدرت ... رسیده تا راجع به این مسئله فکر کنیم که تا کی این طرح دوام می آورد؟ من فکر می کنم کار خیلی مشکلی باشد. بایستی که یک جوابی پیدا کرد. بنظر می رسد که جواب می بایست حداقل از نظر پرنسب در دایره های جستجو بشود که با گسترش خارق العاده سازمانهای اجتماعی مربوط

است، چیزی که صدسال پیش به این شکل قابل پیش بینی نبوده است. فرمهای سازماندهی هم که تنها محدود به احزاب و سندیکاها نمیشوند. اشکال خارق العاده و متنوع سازماندهی در جامعه که برای بیان نیازها و شرکت داشتن مردم در حل مشکلات خود وجود دارد، تنها هر صحنه ای است که می توان در آن جواب را پیدا کرد. از اواخر قرن نوزدهم قسمت بزرگی از جهان به اینگونه اشکال سازماندهی از قبیل احزاب و سندیکاها امکان فعالیت داد. اما امروزه شرایط طور دیگری است، ما جواب مشخصی نداریم، ولی باید شروع کرد و طرحی تهیه نمود. این چیزهایی را هم که گفتیم بدین معنی نیست که من جوابی دارم، بلکه تنها نشان دهنده نگرانی و جستجو کردن است. در انتها می خواهم بگویم، ما همیقا معتقد هستیم - نه بنابه دلایل تئوری و یا علمی که سرمایه داری مرحله نهایی رشد اجتماعی نیست، زیرا که سرمایه داری شدیدا در جهت عکس روحیه اجتماعی حرکت می کند و بحال مشکلات بشریت نیست. بشریت امروزه بیش از هر زمان دیگر در برابر مشکلات پیچیده تری ایستاده و آنطوری که از شما هم بر می آید وضعیت بدتر از این هم خواهد شد. سرمایه داری این مشکلات را نمی تواند حل کند. قیلا گفته میشد که سرمایه داری یک قسمتی از مشکلات بشریت راحل خواهد کرد. مادر این مورد تردید داریم. جهان مجازات خواهد شد اگر که هم چنان قسمت بزرگی از بشریت در وضعیت بدی که هر روز بدتر هم میشود زندگی کند. جهان اول نمی تواند روی این که بره برای خودش جهان خاص خود را بسازد، جهانی که در مقابل بیماریهای اجتماعی و سیاسی و روحی ۳/۴ بشریت مقاوم و ضربه ناپذیر باشد. آن ۳/۴ بشریت که در یک چنین شرایطی زندگی می کند یک فاکتوری برای بی ثباتی عمومی است. اینجا صحبت از دیدگاه سیاسی نیست، بلکه صحبت از بقا بشریت است: نابودی محیط زیست، رشد موج مهاجرتها و مشکلاتی که به همراه دارد و حتی تجارت مواد مخدر یک قسمتی از آن است، نا آرامی های سیاسی هم که جای خود دارد، جهان اول فکر می کند که بسپح کردن ضروری است - البته حالا دیگر نه علیه شوروی و حال حاضر وجود ندارد - بلکه بنظرم جنگیدن علیه جنوب هم

اول تمایل به این سمت را نشان می دهند، چرا که کاملاً روشن است آنها همه آن چیزهایی را که برایشان مقدس است بخاطر نوع زندگی و یا مرگی که اکثریت بشریت با آن دست بگریزند در خطر می بینند. اگر خواهیم سرمایه داری ساده بگوئیم سرمایه داری نمی تواند با همه پولها و طلاهایش و با همه قدرتش جاودانگی را بخرد. سرمایه داری با طبیعت و با شعور سالم انسانی مفایرت دارد. بدین ترتیب این وظیفه چپهاست که طرحهای جدید، تفکر جدید، اکسیونهای جدید را جستجو کنند تا بتوانند به پیش بروند. در حال حاضر به گوشه های پناه بردن، گوشه نشینی کردن و سوسیال دمکرات شدن و یا هر چیز دیگری که فکرش را بکنید ابدا کمکی نخواهد کرد. اسمها را عوض کردن و بدین طریق به دیگران علامت دادن که در آینده سر برآه خواهیم بود به معنی فرار کردن است.

رویی وضعیت گذشته پافشاری کردن با این خیال که می توانی وجدان راحتی داشته باشی، و یا گفتن اینکه من هنوز هم پیرو دیکتاتوری پرولتاریا و سوسیالیسم آنچنانی هستم هم یک جور فرار کردن است. به مبارزه طلبیده شدن را باید قبول کرد و پاپیش گذاشت راه دیگری وجود ندارد. من هیچ گونه ادعایی در رابطه با مطالبی که اینجا پیرامون سوسیالیسم عنوان کردم ندارم. این تنها نشانه جستجو کردن است. با این همه ما معتقد هستیم که بایستی هر سستی از اینگونه عناصر تهیه کرد. ما چنین کاری را شروع کرده ایم. چگونه پیاده کردن اینها در عمل مسئله دیگریست، که جوابش در بخش دیگریست. من فکر می کنم که در اینجا وظیفه بزرگی هم بر عهده علوم اجتماعی است. امکانش هم هست که ما در تهیه این فهرست اشتباهاتی هم کرده باشیم اما من فقط خواستم اینجا با صراحت جستجو کردن هایمان را ترسیم کنم. ما به هیچ وجه دنبال یک جواب ساده به شکل فرار کردن همانطور که قبلا توضیح

دادیم نیستیم. اگر که هر چه زودتر چپها این مسئله را درک کنند که فرار کردن در یکی از آن جعاتی که در بالانام بر دم بی فایده است، زودتر سعی خواهند کرد که جستجو کنند و خلق باشند.

ترجمه: عباس از مجله هلا شماره ۱۵۹ - اکتبر ۹۲

ادامه از صفحه ۹

و اما آنچه جدا از بدو خوب کار جدید شهر داری تهران در خصوص نشر روزنامه همشهری باید گفت: این امری که معمولاً در تمامی کشورهای پیش رفته و توسعه یافته اداره امور شهرها و روستاها به طرق مختلف با همیاری مردم همراه است. پیشینه یک چنین همکاری و همیاری را باید ساخت و این کار در صورتی امکان پذیر است که شعور اجتماعی را در این حد ارتقا داد. امروزه در بسیاری از کشورها، شهر دارها و ادارات دیگر با انتشار روزنامه ها

و نشریات خاص خود مردم را از اموری که در صدد انجام آن هستند آگاه ساخته و آنچه وظایف همگانی تلقی میشود را گوشه زور راهنمایی می نماید. اینکه ایجاد کانال مشارکت عمومی در مملکت آخوند زده ما با مسئولین بغایت عقب مانده از پیشرفت روزگار که در راس امور قرار دارند، امری غیر ممکن جلوه میدهد. حرفی است جداگانه. در انتهای سخن باید گفت اگر قرار بر این باشد جلوی حیف و میل ثروت عمومی گرفته شود نخست و در درجه اول باید همگی مسئولین رژیم ج را به خطر کرد. گر حکم کنند که مست گیرند در شهر هر آنچه هست گیرند

یگانه

سوسیالیسم، چیزی که در تئوریا و دکترین های نظامی جهان

سوسیالیسم، چیزی که در تئوریا و دکترین های نظامی جهان

سوسیالیسم، چیزی که در تئوریا و دکترین های نظامی جهان

سوسیالیسم، چیزی که در تئوریا و دکترین های نظامی جهان

سوسیالیسم، چیزی که در تئوریا و دکترین های نظامی جهان

سوسیالیسم، چیزی که در تئوریا و دکترین های نظامی جهان

سوسیالیسم، چیزی که در تئوریا و دکترین های نظامی جهان

سوسیالیسم، چیزی که در تئوریا و دکترین های نظامی جهان

سوسیالیسم، چیزی که در تئوریا و دکترین های نظامی جهان



## از میان نامه‌ها

مطلب پیوست گوشه کوچکی از واقعیت‌های موجود در اتحاد جماهیر شوروی سابق و جمهوری بلاروس میباشد، هر روز که میگذرد بر دامنه فعالیت جمهوری اسلامی ایران در این مناطق افزوده میگردد بدون

## سیر و سیاحتی و هشدار

مشتاق بودم تا از نزدیک شوروی سابق را ببینم. کشوری که روزی روزگاری سرزمین رؤیایی من و همه زیادی از هموطنان من بود. کشوری که تعداد زیادی از هموطنان من صرفاً بخاطر دوستی و عشق و علاقه به آن و انقلاب آن جان عزیز خویش را از دست داده و یاسالیان سال در سیاحت‌های مخوف بسر برده بودند. اما اکنون با گذشتن زمان می‌شنیدم آن دژ مستحکم کمونیسم جهانی و بدنبال آن اردوگاه کشورهای سوسیالیستی فرو پاشیده و چون برف در برابر آفتاب تموز ذوب گردیده است. می‌شنیدم که بر اثر این فروپاشی نه تنها تحولات عظیمی در سطوح بین‌المللی و جمهوریهای مستقل و نوپای باقی مانده از آن امپراطوری عظیم بوجود آمده، بلکه دگرگونیهای شمر بخش و بعضاً ویران کننده‌ای از نظر تشکیلاتی، هم در بین گروههای سیاسی و طنی نیز پدید آورده است.

نکته قابل توجه در این سفر که مرا وادار به نوشتن نمود، حال و روزگار هدهای از مهاجرین سیاسی ایرانی و سئو استفاده‌های جمهوری اسلامی ایران از این آشفته بازار موجود در جمهوریهای مستقل و نوپا و وضعیت پناهندگان توابع است. این مهاجرین باصطلاح سیاسی دیروز که تمام آرزوهای ایده‌هایشان در زیر آجر پاره‌های حاصله از فروپاشی دژ کمونیسم مدفون گردیده و بعضاً پاره‌های هم به گنجگامشان اصابت نموده، به یکباره ۱۸۰ درجه تغییر جهت داده و بر آن شده‌اند تا از طریق بند و بست با رژیم ولایت فقیه و آشفته بازار حاصله از سیاستهای دموکراتهای روسی بار نسیب خود را بسپارند و از این کلاه مقدار هر چند ناچیز بدست بیاورند تا جبران مافات کرده باشند.

جمهوری اسلامی ایران بکام این همه پناهنده که بدون شکنجه و زندان و دیدن پیچ‌و‌پل‌ها و آب توبه را بر سر ریخته‌اند و امروز آزادانه به ایران رفت و آمد میکنند، هر ساله تعدادی از عوامل خود را بعنوان دانشجو و همراه و در روز تعداد دیگری را زیر پوشش تاجر و توریست به این جمهوریها و بویژه جمهوری بلاروس می‌فرستند تا ضمن گرفتن مدارک پزشکی و مهندسی در ازای پرداخت سالانه ۲۵۰۰ دلار به جمع‌آوری اخبار و اطلاعات، خرید اسلحه، چوب، سیمان و غیره بپردازند.

هلاوت اینکه بعضی از این دانشجویان یا تاجرین محترم پس از مدتی زندگی در اتحاد شوروی سابق، بدستور تهران و بکام این باصطلاح پناهندگان راهی کشورهای اروپایی از جمله آلمان، سوئد، دانمارک، بلژیک و غیره می‌گردند و بعنوان پناهنده سیاسی و اجتماعی به ماموریت‌های خویش ادامه میدهند.

از سوی دیگر هدهای از ایرانیانی که با این گروه در ارتباط بوده و در دیگر کشورهای اروپایی بعنوان پناهنده پذیرفته شده‌اند و از ترس مقامات مسئول کشورهای پناه‌گزیین نمی‌توانند به ایران سفر کنند و در رفته پس از مدتی بازمی‌گردند کم نیستند در میان این افراد، کسانی که مثلاً در آلمان با گروه سیاسی خصوصی نیز همکاری دارند.

مثلاً، رضا ثقفی "برادر زن خمینی"، جهان آرا "فرمانده سپاه پاسداران خرمشهر در زمان جنگ" و علی‌اصغر مهین‌راد "از کادربلای سابق حزب توده ایران در گذشته مقیم مینسک" کار تدارک و اعزام افراد مورد نظر جمهوری اسلامی ایران به جمهوری بلاروس و دیگر نقاط جهان از طریق این جمهوری را بر عهده دارند. ضمن گفتگو با ایرانیان مقیم باکو و مینسک دانستم که در سال گذشته فردی بنام باقری نژاد که مسئولیت نمایشگاه کتاب ایران در باکو را بر عهده داشته، ضمن مراجعه به منازل ایرانیان ساکن در این دو جمهوری آنکتهایی را توزیع نموده تا افرادی که خواهران با برگشت به ایران یا همکاری با رژیم ولایت فقیه هستند آنها را بر نمایند.

بدنبال آن آقای مهین‌راد پس از مذاکره با مسئولین کنسولگری ایران در باکو و سفیر ایران در مسکو به ایران هزیمت و بکام ثقفی و جهان آرا بنگاه معاملاتی خود و شرکا را تأسیس می‌نماید.

نامبرده سالی دو الی سه بار به ایران سفر می‌نماید و افراد خانواده او مرتباً بین مینسک و ایران در رفت و آمد هستند. اما عمل استفاده جمهوری اسلامی ایران از خاک بلاروس برای اعزام جاسوسان و تروریستهای خود به دیگر نقاط، وجود امکانات بیش از حد، عدم سوءظن دیگران، ارزانی هزینه سفر و عدم ارتباط ایرانیان مقیم در بلاروس با دیگر هموطنان خویش در اروپا و سایر نقاط جهان بنا به هیل گوناگون است. پیشتر گفتیم که در آشفته بازار موجود در جمهوری مستقل همه چیز بر اساس عرضه و تقاضا در دسترس مشتری قرار دارد.

در پایان ضمن هشدار به تمام نیروهای مترقی و بشر دوست، از آنان می‌خواهم که در مقابل توطئه‌های جمهوری اسلامی ایران و کارگزاران بیرون مرزی اش هوشیار بوده و نسبت به افشا چهره‌های منفوری که در خارج از ایران به عوامل اجرای فرامین آخوندهای حاکم بر ایران تبدیل شده‌اند، گوشا باشند، زیرا مسئولیت خونی که تا امروز بر زمین ریخته شده بعداً تک تک انسان‌هایی است که برای آزادی انسان و رشد و تعالی وی می‌رزمنند.

## بیادعلیر ضاد و ستاد بزرگمرد کوچک

خبر کوتاه بود. چهره همیشه او - کمی جا افتاده‌تر - در قطعه عکس کوچکی با دوستون کوتاه، در گوشه صفحه "رویدادهای ایران" نقش بسته بود: "مرگ نابهنگام رفیق علیرضا دوستدار"

خیلی‌ها از کنار خبر گذشتند، روزنامه را ورق زدند و مطالب مجتهد را خواندند. برخی نیز شاید آنرا با اطلاعیه مجالس ترحیم که همیشه بخشی از روزنامه‌های ایرانی را تشکیل می‌دهند، یکی گرفتند و به همان سادگی، مرگ هم‌رزمی را پذیرفتند. اما می‌دانم، هر کس که او را از نزدیک می‌شناخت، ناباورانه چندین بار خبر را خوانده است. آنجمله شور و تلاش، آنجمله پایداری و افتادگی یکجا و به ناگاه از دست رفت! چه می‌توان کرد، مرگ نابکار چنین نیز چهره می‌کند. تنها یک اتفاق ساده ممکن است هزیزی را از تو بگیرد و تو سرگشته و مبعوت، بی‌آنکه کاری از دست بر آید بر جای می‌نشینی و به آن هزیز، به آن دوست می‌اندیشی و خاطرات را جان می‌بخشی... روزهای بعدی و ماهها و سالهای بعدی نیز گرچه ظاهراً فراموشش کرده‌ای اما هر ایما و اشاره زندگی که جلوه‌ای از او داشته باشد، هر بار یادش را در

با سلام به دست‌انکاران نشریه کار از چندی قبل تصمیم گرفته بودم چند خطی را برای نشریه بنویسم تا هم گفته‌هایم به گوش دست‌انکاران نشریه و دیگران

## نشریه را پر بارتر کنیم

برسد و هم اینکه دیگران راه خود اندیشی و ادارم در هر صورت اگر چنانچه مصلحت میدانید این درد دل کوتاه را در نشریه بچاپ برسانید.

برسد و هم اینکه دیگران راه خود اندیشی و ادارم در هر صورت اگر چنانچه مصلحت میدانید این درد دل کوتاه را در نشریه بچاپ برسانید.

برسد و هم اینکه دیگران راه خود اندیشی و ادارم در هر صورت اگر چنانچه مصلحت میدانید این درد دل کوتاه را در نشریه بچاپ برسانید.

برسد و هم اینکه دیگران راه خود اندیشی و ادارم در هر صورت اگر چنانچه مصلحت میدانید این درد دل کوتاه را در نشریه بچاپ برسانید.

## گر حکم کنند...

آنچه که در زیر می‌آید، مقاله‌ای است که دوست گرمی آقای یگانه برای نشریه فرستاده‌اند. در این مقاله، اندکی تلخیص صورت گرفته است.

اخیراً شهرداری تهران تصمیم به انتشار روزنامه‌های بنام "همشهری" گرفته که بطور روزانه منتشر میشود. اولین شماره همشهری که در تاریخ ۱۵ آذر به ابتکار، آقای کرباسچی شهردار پایتخت درج یافت، مورد انتقاد برخی از روزنامه‌های سراسری از آن جمله، روزنامه رسالت قرار گرفت. روزنامه رسالت شهرداری تهران را مورد خطاب و انتقاد قرار داد و تصریح

جبهه کوچک و چشمان هوشیار هر جا که موضوع بحث و فعالیتی بود حضور داشت و همیشه احساس مسئولیت می‌کرد، بی هیچ ادعائی، چه نسبت به سازمانش و چه نسبت به خانواده و دوستانش. از آنها بود که هر رابطه دوستی برایشان اهمیت دارد. نوشتن حتی یک نامه به دوستش، یا کمک به مادر و خواهر در خانه‌تکانی نوروز و یکم کردن بار مسئولیت پدر و... برایش اهمیت داشت. بی تفاوت نبود. نسبت به هیچ چیز بی‌اهتمام نبود و این ویژگی در او جا افتاده بود. چیزی مثل شریزه.

همین خصائل موجب شد تا خیلی سریع مسئولیت‌های سازمانی‌اش نیز بیشتر شود. ابتدا مسئول یکی از دبیرستانها بود. بعد چندین دبیرستان مختلف را تحت مسئولیت خود گرفت. حتی در دوره‌ای که مدارس راهنمایی نیز در تشکیلات سازماندهی می‌شدند، مسئولیت چندین مدرسه راهنمایی را نیز بر عهده داشت و با نوجوانان بخوبی کنار می‌آمد. او دیگر به عضو فعال سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مبدل شده بود و همه را می‌شناختند. بارها با حزب‌اللهی‌ها درگیر شد. بارها دستگیر شد ولی تا آخرین روز زندگیش به ایده‌آلها و آرمانهای خود پایبند ماند. ۹ ماه آخری را که در آن روزهای سخت بجرم تبلیغ علیه انتخابات ریاست جمهوری در زندان بسر برد نیز با پایداری

دین خوانندگان صورت نگرفته، راستی چرا؟ در کجای نشریه کار قلمی در جهت شناخت تاریخ ایران و پیدایش دموکراسی از دیرباز تاکنون زده شده است؟ تا کی می‌خواهیم خوانندگان را از آنچه که خود شعار میدیم بی محتوا و بدون اطلاع نگه داریم و تا کی...

دین خوانندگان صورت نگرفته، راستی چرا؟ در کجای نشریه کار قلمی در جهت شناخت تاریخ ایران و پیدایش دموکراسی از دیرباز تاکنون زده شده است؟ تا کی می‌خواهیم خوانندگان را از آنچه که خود شعار میدیم بی محتوا و بدون اطلاع نگه داریم و تا کی...

دین خوانندگان صورت نگرفته، راستی چرا؟ در کجای نشریه کار قلمی در جهت شناخت تاریخ ایران و پیدایش دموکراسی از دیرباز تاکنون زده شده است؟ تا کی می‌خواهیم خوانندگان را از آنچه که خود شعار میدیم بی محتوا و بدون اطلاع نگه داریم و تا کی...

دین خوانندگان صورت نگرفته، راستی چرا؟ در کجای نشریه کار قلمی در جهت شناخت تاریخ ایران و پیدایش دموکراسی از دیرباز تاکنون زده شده است؟ تا کی می‌خواهیم خوانندگان را از آنچه که خود شعار میدیم بی محتوا و بدون اطلاع نگه داریم و تا کی...

پشت سر گذارد. وقتی مدارک با اهمیتی از او نیافتند از زندان آزاد شد. پس از زندان مدت‌ها به مناطق محروم کرمان و یزد رفت و در آنجا در میان محرومین کار کرد. با همان احساس مسئولیت و با همان بی‌ادعائی همیشه. در این اواخر نیز حتی تا حد مدیر عاملی یک شرکت نقش برداری پیش رفت. یکسالی می‌شد که نامزد کرده بود و قصد ازدواج داشت اما مرگ...

چه بگویم. نیت آن نداشتم که مثل هر نوشته دیگری در اینواضع، تنها از خوبی‌های او بنویسم، اما چه کنم که او برآستی خوب بود. بزرگمردی کوچک که چنین ساده فرو مرد و چنین نابهنگام رفت.

برق گرفتگی موجب مرگش شد اما این تمام ماجرا نبود. عدم تجهیز آمبولانس به وسائل مورد نیاز عامل مهمی بود که تا بیمارستان دوام نیاورد. مجلس ترحیم او جلوه‌ای از شخصیت انسانی‌اش بود. اکثر افراد محله تیلی باغ تبریز، پیرو جوان در آن شرکت داشتند. چنان مجلسی با آن شکوه در این محله سابقه نداشت...

و اکنون، گاهی که تنها با خود خلوت می‌کنم، همان شماره کار را ورق می‌زنم، آرام در عکس او خیره می‌شوم و هیاهوی مردم در گوشم طنین می‌گیرد.

د. احمدیان

جنبش از دست می‌دهد. در حالی که براحتی میتوانستیم با ارتقا دادن کیفیت نشریه جای ویژه‌ای برای آن در سطح جنبش بکشاییم ولی با وجود محتوا و شکل کنونی امید به ادامه کار نشریه و داشتن خواننده بیشتر یک سراب خواهد بود.

رفقا و دوستان! لطفاً احساس رادریابیم مسئولیتی را که از گذشته بر دو شما گذارنده شده است حس کنیم. فریاد ملتی را که در یوغ حکومت خودکامه‌هاست را بشنویم؛ با کمی درنگ میتوانیم حس کنیم که تنها از طریق نشریه کار است که میتوانیم حرف‌هایمان را به دیگران و گوش این و آن برسانیم. پس بیائیم با گوش و همیاری خود نشریه کار را پر بار تر کنیم که فردا دیر است که همانطور اقبال لاهوری گفته بود ساحل افتاده گشت گرچه بسی

زیستم  
وه که نه معلوم شد چیستم و کیستم  
موج شتابنده‌ای تیز خرامید و گشت  
هستم اگر می‌روم و نروم نیستم  
یادروهای بی‌پایان  
اتریش-وین-شاهین

نمی‌دانند که رژیم منابع و درآمد کشور را صرف کمک به رژیم‌ها و گروه‌هایی همچون دولت افراطی سودان، دولت اسلامی مجاهدین افغانستان، رژیم‌های لیبی و سوریه، گروه حزب‌الله لبنان، گروه جبهه نجات اسلامی الجزایر و یا خرید و انباشت جنگ افزارهای نظامی که نمونه آخری آن دریافت زیردریایی از روسیه است و همچنین خرید تسلیحات گوناگون دیگر از کشورهای همانند چین و کره شمالی و یا برپا کردن پایگاه‌های در کشورهای مختلف به هدف توسعه طلبی می‌کند. چرا از این باب کوچکترین اعتراض یا انتقادی از سوی روزنامه‌های سراسری بر انگیزخته نمی‌گردد.

ادامه در صفحه ۸

## نامه سرگشاه احزاب چپ به دبیر کل سازمان ملل متحد پیرامون نقض حقوق بشر در ایران

محاکمات، فاصله زیادی با استانداردهای شناخته شده بین المللی داشته است. هلیرفم اینکه ایران یکی از اعضا کنندگان منشور حقوق بشر است، رژیم جمهوری اسلامی هلنا و رسما بسیاری از موازات این منشور را، از جمله آزادی بیان و آزادی تشکل را زیر پا گذاشته و می گذارد.

ما امضا کنندگان زیر از شما محترما می طلبیم تا با استفاده از نفوذ و اعتبار سازمان ملل متحد، از جمهوری اسلامی خواهیید تا:

- اسامی، اتهامات و مدت محکومیت کلیه زندانیان سیاسی که در حال حاضر در زندان ها بسر می برند منتشر کند.
- هلنا و به شکل واضحی نظرات دولت جمهوری اسلامی پیرامون آزادی بیان و آزادی تشکل را اعلام کند.
- مجازات اعدام را حذف نموده و تمامی احکام کنونی را متوقف کند.
- کلیه زندانیان سیاسی کشور را آزاد کند.

این نامه را ۱۹ حزب کمونیست از کشورهای آمریکا، آفریقای جنوبی، آلمان، اردن، اطریش، ایتالیا، آرژانتین، برزیل، بریتانیا، پرتغال، فرانسه، ژاپن، لبنان، کلمبیا، کاتالونیا، سوریه، شیلی، هند و یونان؛ و نیز ۲۵ حزب و سازمان چپ و دموکراتیک دیگر از الجزایر، آلمان، انگولا، ایتالیا، اسپانیا، بحرین، پولیساریو، ترکیه، فلسطین، فنلاند، روسیه، قبرس، کلمبیا، مجارستان، مکزیک، مراکش و موزامبیک امضاء کرده اند.

در جریان کنفرانس حزب کمونیست پرتغال، بیش از ۴۰ حزب شرکت کننده در این کنفرانس در نامه سرگشاده ای به دبیر کل سازمان ملل متحد به نقض حقوق بشر در ایران اعتراض نموده و خواهان برخورد سازمان ملل با این امر گردیدند. متن نامه چنین است:

به دبیر کل سازمان ملل متحد نیویورک - ایالات متحده آمریکا  
تالیضنا

کمیسون حقوق بشر سازمان ملل متحد، سازمان حقوق بین الملل، و سایر گروه های حقوق بشر، همچنان به انتشار گزارشات، متنی بر اسناد غیر قابل انکار، پیرامون سرکوب خشن حقوق بشر توسط دولت جمهوری اسلامی ادامه می دهند.

بر سال در ایران بالاترین تعداد اعدام ها صورت می گیرد. بر اساس گزارشات سازمان های مدافع حقوق بشر، هزاران زندانی سیاسی، شامل گروه زیادی از رهبران سیاسی، نویسندگان، متفکران، هنرمندان و رهبران، اعضا و هواداران سازمان های سیاسی از جمله حزب توده

ایران سازمان مجاهدین خلق ایوان، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، سازمان فدائیان خلق ایران، حزب کمونیست ایران (کوموله) و گروه کثیر دیگری نیمه دوم سال ۱۹۸۸، به صورت فزاینده اعدام شده اند. تعداد زیادی از اعدام شدگان قبلا در دادگاه های جمهوری اسلامی محاکمه و به زندان محکوم شده بودند. جریان و چگونگی این

### انتشار فصلنامه "مسائل بین المللی"

انتشارات حزب توده ایران، نشریه جدیدی به نام "مسائل بین المللی" را منتشر کرده است. در اولین شماره این نشریه که تاریخ پائیز ۱۳۷۱ را دارد ۲ مصاحبه با فیدل کاسترو به نام "انقلاب زنده است" و کس حال

صدر حزب کمونیست آمریکا بنام "مبارزه طبقاتی ادامه دارد" و مقالاتی در باره ۱۴ مین کنفرانس حزب کمونیست چین و جمهوری های آسیای میانه درج شده است.

### کمک های مالی رسیده

سردار از مونستر آلمان ۱۶۰ مارک	کازرون " از سوئد ۲۰۰ کرون
حمید از سوئد ۵۰۰ کرون	"مازندران" از سوئد ۲۰۰ کرون
امید از سوئد ۳۰۰ کرون	"مشهد" از سوئد ۲۰۰ کرون
"چهار لنگ" از سوئد ۲۰۰ کرون	"بوکان" از سوئد ۲۵۰ کرون
"شیراز" از سوئد ۲۰۰ کرون	کرون از همه دوستان متشکریم.

### نامه به وزیر امور خارجه فرانسه

بمناسبت سفر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی به فرانسه، از سوی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب دموکراتیک مردم ایران و جمهوری خواهان ملی در فرانسه نامه ای در اختیار آقای رولان دو ما وزیر امور خارجه فرانسه قرار گرفته است که در آن میخوانیم:

پاریس ۱۲ ژانویه ۱۹۹۳  
آقای وزیر!  
در آستانه مسافرت آقای ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی به پاریس، هلاقمندیم توجه شما را به این نکته جلب کنیم که دولت ایران نه فقط به نقض حقوق بشر در ایران ادامه می دهد، بلکه همچنان فعالانه مخالفان معاصر در اروپا را از طریق ترور دنبال می کند.

از وین تا برلین از ژنو تا پاریس، دهها مخالف رژیم زیر گلوله های آدم کشان، که از سوی نمایندگان سیاسی رژیم در اروپا حمایت می شوند، به قتل می رسند.

آقای وزیر، ما از شما می طلبیم (اکثریت) سازمان فدائیان خلق ایران

با تعدید به مقابله، جلو اینگونه فعالیت تروریستی را در خاک جامعه اروپائی بگیرید. آقای وزیر، تجربه چند سال اخیر بخوبی به اثبات می رسد که بدون یک موضع گیری محکم در مقیاس بین المللی برای رعایت حقوق بشر در ایران، تناسب نیروها در میان جناح های مختلف رژیم، امکان نمی دهد توقع داشت که موضع جمهوری اسلامی تغییر یابد.

ما بار دیگر از شما می طلبیم، بنام ارزش های والای جهانی که شما مدعی آن هستید و بخاطر روابط فرانسه و ایران که می بایست بعد از رژیم اسلامی تداوم بیابد، به آقای ولایتی تخمیم کنید که هر گونه توسعه روابط سیاسی و اقتصادی میان پاریس و تهران، منوط به رعایت حقوق بشر در ایران است.

جمهوری خواهان ملی، حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### جلسه حقوق بشر در دانشگاه وین

ماه گذشته به ابتکار دعوت کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران بحثی تحت عنوان "بحث آزاد حول سال حقوق بشر و اسلام" در شهر وین برگزار گردید. گردانندگان بحث از دست اندکاران رسانه های گروهی و از روزنامه نگاران بودند. در این جلسه آقای پروفسور پاول سردبیر سابق روزنامه کار به خاطرات گذشته خود و جریان تظاهرات دانشجویان ایرانی هنگام سفر شاه به وین پرداخته و طرح کرد که پس از این تظاهرات و درج آن در روزنامه کارگر وزیر کشور اتریش سردبیر را احضار و مراتب ناراضی وزارت کشور را به وی اعلام می کند و وی پاسخ می دهد اینکه شاه ایران از درج این خبر مطلع شده و ناراحت گردیده است باید مایه خوشحالی ما باشد. چون درک واقعی تری از

دمکراسی خواهد داشت و خواهد فهمید که در یک کشور دموکراتیک استقلال روزنامه ها را نمی توان خدشه دار کرد. وی در ادامه گفت که ملاحظاتی در پیما تیک هنوز هم وجود دارد ولی نیروهای دمکرات همه جا باید به وظایف خود عمل کرده و از دمکراسی دفاع کنند. پس از وی آقای دکتر عبدالرحیم سامی از مهاجرین افغانی به دفاع از ایدئولوژی اسلامی پرداخته و با تفاوت قائل شدن ما بین ایدئولوژی اسلام و حکومت های اسلامی طرح نمود که قوانین اسلامی نافی مخاد اعلامیه های حقوق بشر نیست. در پایان سخنرانی حاضرین باظهار نظر پرداخته و در صحبت های آنان ضرورت افشای هر چه بیشتر جمهوری اسلامی و اعمال فشار به حکومت اطریش در مناسبات با دولت ایران طرح گردید

### کار، چشم بر راه یاری یاران است

خوانندگان گرامی! کار، انتشار خود را مدیون استقبال گرم شما عزیزان است. نشریه کار در آمدی جز حق اشتراکها و تکثیر و شیبا ندارد. درآمدی که، بصیوجه تکفوی هزینه های سنگین انتشار آن را نمی دهد، کسری تراز پرداخت نشریه، تنها با کمک های دوستان بلند همت آن جبران میگردد. تداوم انتشار نشریه کار در گرو برقراری توازن بین درآمدها و هزینه های آنست و این امر شدنی است هرگاه که رهنمویی و پیشنهاد های ما با پاسخ در خور دوستداران کار روبرو شود. پس، همچون هر وقت دیگر با رجوع به خود شما خوانندگان گرامی، شمارا ترامی خوانیم تا: \* کار را به دست دوستان و آشنایان خود برسانید و آنها را به اشتراک کار تشویق کنید. \* اگر به نشریه به هکارید، در اسرع وقت بدی خود را بر دایرید. \* برای پرداخت به موقع حق اشتراک کار، با بخش توزیع نشریه همکاری کنید. \* در شناسائی مراکز فروش نشریات و معرفی آنها به نشریه کار، بخش توزیع نشریه را یاری برسانید.

### پاسخ به خوانندگان

ملاحظه میکنید از مطالب و اخبار ارسانی شما استفاده میکنیم. از ادامه همکاری تان سپاسگزار خواهیم شد. دوست ارجمند آقای حبیب باسالار زاده از آلمان متقابلا برای شما نیکی و موفقیت آرزو مندیم. شما میتوانید با مراجعه به آرشیو نشریات سازمان و نیز انتشارات دیگر نیروهای سیاسی کشور اهم از اپوزیسیون و حکومتی، داده ها و نوشتار های مفیدی را جمع به تعلیم و تربیت در سیستم پرورش ایران بدست آورید. خواهان موفقیت شما در کار تحقیقاتی تان هستیم. دوست عزیز آقای فرهاد از بلژیک

دوست گرامی با امضای "دوستدار سازمان" از سوئیس با دورد متقابل، نامه و وجه ارسالی تان را دریافت کردیم. راجع به ارسال نشریات مربوطه وضع زمان، تصدیق میکنید که برای سازمان ما امکان توزیع نشریات ولو محدودی که در زمینه های اختصاصی و یا هر صدهای معین از جمله مربوط به مشکلات زنان میهن مان منتشر میشوند، وجود ندارد. و اما در باره تهیه پیشاپیش بلیط ورودی به جشن سازمان که روز ۶ مارس در شهر بن آلمان برگزار خواهد شد، شما میتوانید از طریق آدرس نشریه کار تعداد بلیط های مورد نیاز خود را تقاضا کنید تا ترتیب ارسال آنها داده شود.

با سلام، از اینکه بالاخره دور مشکلات را با موفقیت پشت سر گذاشته و توانسته اید موقعیت باثباتی پیدا کنید، خرسند شدیم. از اطلاعات ارسانی شما متشکریم. فعالیت شما در جهت توضیح مواضع سازمان به نیروهای مترقی کشور محل اقامتتان و نیز برقراری و تحکیم پیوند با هم میهنان دور افتاده کشورمان، ارزشمند است. دست شماره گرمی می فشاریم. دوست گرامی آقای آزاد از فنلاند سلام ما را بپذیرید. فعالیت شما برای آبه نمان نشریه کار در محل زندگی تان، پاسخی دلگرم کننده به فراخوانی است که در نشریه کار میخوانیم: کار را به دست دوستان و آشنایان خود برسانید و آنها را به اشتراک کار تشویق کنید.

دوست عزیز آقای خامه ور از آلمان با سلام، از آمادگی تان برای شرکت در مبارزه علیه بیدادگری های رژیم و بخاطر استقرار آزادی و دموکراسی در کشورمان خوشحالیم. برای کسب اطلاع از محل اجتماعات اعتراضی علیه نقض خشن حقوق بشر در ایران، میتوانید به اطلاعیه ها و نشریات نیروهای آزادیخواه کشورمان متکی شوید. لازمه دسترسی به موقع به این منابع نیز، وجود و تحکیم مناسبات با موطنان ایرانی طرفدار آزادی و دموکراسی است. دست همکاری شمارا صمیمانه می فشاریم. دوست گرامی خانم ستاری از فرانسه با تشکر از همکاری های مستمر شما، همانگونه که در نشریه کار

### با اشتراک کار ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

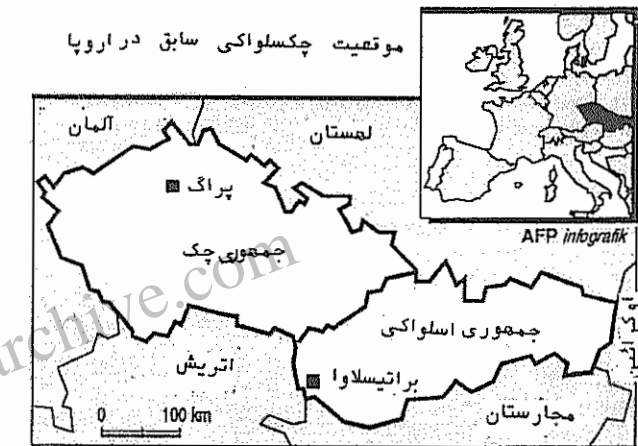
<p>فرم اشتراک</p> <p>برای اشتراک نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمایید.</p> <p>مایلم نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل</p> <p>بهای اشتراک بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تجربی پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است.</p> <p>آدرس: _____ (لطفا خوانا بنویسید)</p> <p>Name: _____</p> <p>Address: _____</p>	<p>بهای اشتراک نشریه کار</p> <table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>اروپا ۴۵ مارک</td> <td>۹۰ مارک</td> </tr> <tr> <td>سایر کشورها ۵۲ مارک</td> <td>۱۰۴ مارک</td> </tr> </table> <p>مطالبی که با امضا فردی در کار درج می شود، لزوما بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p>	شش ماهه	یکساله	اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک	سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> <p>حساب بانکی: M.ABD NR_35263011 کد بانک: 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY</p> <p>آدرس: Ruzbeh Postfach 1810 5100 Aachen GERMANY</p> <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p>
شش ماهه	یکساله							
اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک							
سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک							

# تجزیه چکسلواکی، انگیزه‌ها و آموزه‌ها

## حسین داوری

اسلواکیا جز یک کشاورزی عقب مانده چیز دیگری نداشتند. دشواری کمبود نیروهای کار دان و متخصص در اسلواکی نیز تنها با کمک و همکاری چکها قابل رفع و رجوع بود. با اینهمه تشکیل چکسلواکی با جشن واستقبال مردم مواجه شد. رهبران این کشور تلاش کردند که موازین دموکراتیک را در هرصه‌های فرهنگی و سیاسی گسترش دهند، و در همین راستا بود که قانون اساسی خود را براساس قانون اساسی فرانسه تدوین نمودند. حیات سیاسی نسبتا دموکراتیک چکسلواکی در سال‌های دهه ۳۰ و ۴۰ اما ناظران خارجی را از دیدن تنشها و اختلافات دو ملت چک و اسلواکی قائل می‌نمود. بحران اقتصادی دهه ۳۰ در اروپا بیش از

پس از جنگ احیای چکسلواکی دوباره با شادمانی و سرور فراوان



مهم اسلواکی را تحت فشار قرار داده بود و دولتمردان و مردم چک از اینکه باید در رفع این بحران بار بیشتری بردوش بکشند، چندان خشنود نبودند. در همین حال خضر فروشی آشکار و پنهان چکها در مورد نقش و پیشینه تاریخی و فرهنگی شان در اروپا نیز اسلواکیها را به نوبه خود می‌آزرد. چکها از اینکه قدیمی‌ترین دانشگاه اروپا را ایجاد کرده و پراگ از دیربازیکی از مهمترین مراکز آموزشی اروپا بوده، خود را کم و بیش بالاتر از اسلواکیها می‌دانستند. از سوی دیگر به رفم آنکه ضرورت آشنایی با فرهنگ چکها در میان روشنفکران اسلواک دیدیم به‌شمار می‌رفت، چکها هلاکه چندانی و احتمالی به شناخت فرهنگ اسلواکی نشان نمی‌دادند. در واقع بخشی از مردم چک، چکسلواکی را ملک مطلق خود دانسته و اسلواکیها را چندان تحویل نمی‌گرفتند.

در اجلاس مونیخ که در سپتامبر ۱۹۳۸ بدون حضور چکسلواکی برگزار شد، رهبران ایتالیا، فرانسه و انگلستان مرهوب تهدیات هیتلر مبنی بر آغاز جنگ شده و با الحاق بخش "سودت" چکسلواکی که ساکنین آن را آلمانیها تشکیل می‌دادند، به آلمان موافقت نمودند. بدین ترتیب دخالت خارجی نیز بر مشکلات و دشواری‌های داخلی چکسلواکی افزوده گشت. در ۱۵ مارس ۱۹۳۹، یعنی یک روز پیش از اشغال ایالت‌های چک، بوهیمیا و مرآوی (همه این ایالت‌ها در جمهوری چک واقع شده‌اند)

به فکر تغییر هر چه سریعتر ساختار اقتصادی کشور به سوی سرمایه‌داری... بودند و کم‌تر به مسائل ملی می‌اندیشیدند.

راست این است که بیش از ۷۰ سال زندگی مشترک، اسلواکی‌ها و چکها را به رفم همه اختلافات و تنشها کم و بیش به هم نزدیکتر ساخته و شمار کثیری از مردم با توجه به روندهای اقدام و درهم‌آمیزی اروپا کمتر به جدایی و اعلام استقلال می‌اندیشیدند. آنچه که به سوتفاهات، اختلافات و نابرابریها مربوط میشود نیز در قیاس با بسیاری از کشورهای دیگر چندان برجسته نبود و با دوراندیشی و عقل سلیم امکان فائق آمدن بر آنها منتفی به‌شمار نمی‌رفت. اما با انتخابات مجلس در ژوئن سال پیش روندها در مسیر دیگری افتاد. در این انتخابات "جنبش اسلواکی دموکراتیک" در اسلواکی و "حزب دموکراتیک شعروندان چکسلواکی" در جمهوری چک به کثرت آرا دست یافتند. ولادیمیر مسیار و اسلاوکلوز نخست‌وزیران برگزیده اسلواکی و چک مذاکراتی را پیرامون آینده کشور آغاز نمودند که بیشتر به خاطر سرسختی اسلواکی‌ها هیچ نتیجه‌ای از آن جز اعلام جدایی دو کشور بدست نیامد. احزاب حاکم چک و اسلواکی با تعلق کردن مسئله جدایی به عنوان مسئله شخصی خود، بدون رجوع به آراء عمومی کار جدایی را یکسره نمودند و پارلمان‌ها را به دامن رای مثبت به این روند فراخواندند. بسیاری از مردم چه در میان چکها و چه در میان اسلواکی‌ها بدون آنکه تاثیری در تصمیمات دولتمردان داشته باشند، ناباورانه خود را در برابر عمل انجام شده یافتند.

اینک از چکسلواکی دو کشور پدید آمده که ۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارند و میان آنها اتحادیه تجاری و گمرکی برقرار است رفت و آمد اهالی بدون ویزا صورت می‌گیرد و پول دو کشور یک به یک تعویض می‌شود. بر اساس توافقات فی‌مابین اموال غیرمنقول چکسلواکی در هر جمهوری به آن جمهوری تعلق گرفته و اموال منقول به نسبت ۲ به یک (به نسبت جمعیت: چکها تقریبا ۱۰ میلیون نفر و اسلواکیها تقریبا ۵ میلیون نفرند) تقسیم شده است. هر دو کشور هم اینک دارای قانون اساسی‌اند و دولت‌های آنها از سوی بسیاری از کشورهای جهان به رسمیت شناخته شده‌اند. اما این شناسایی‌ها موضع سیاسی، نظامی و اقتصادی تضعیف شده دو کشور نوبا در اروپایی که تقسما درگیر جنگ و تنازعات ملی است را چندان تقویت نخواهد کرد.

تجزیه چکسلواکی به رفم نابازگاری آن با روندهای موجود در اروپا و نیز به رفم عدم دخالت مستقیم مردم در آن، حاوی درس‌گرنهایی نیز عدم جدایی صلح‌آمیز و متدانه دو ملت، شیوه‌ها و روش‌های اعمال شده در روند تجزیه چکسلواکی برای همه کسانی که در حل مساله ملی کاربرد قهر و زور را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند، نکات آموزنده‌ای در بر دارد

## درباره "حماس"

تاسیس کودکستانها، بیمارستانها، مدارس و مساجد زده‌اند. بسیاری از جمعیت‌های خیریه و اتحادیه‌های صنفی نوار قرمز تحت نفوذ حماس قرار دارند. نکته‌ای که نباید از یاد برد این است که حماس از منابع مالی هنگفتی برخوردار است. برخی از فلسطینی‌های متمول که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند، از جمله منابع کمک مالی به حماس محسوب می‌شوند. هرچند گفته می‌شود که این کمک‌ها همواره کاملا داوطلبانه نیست. هرستان سعودی نیز سالانه دهها میلیون دلار به حماس کمک می‌کند. هرستان همواره به گروه‌های اسلامی در سایر کشورها با این نیت کمک می‌کند که در جهان اسلامی از رقبائی مانند آخوند‌های تهران عقب نمانند. در کنار حامیان ثروتمندی مانند هرستان و سایر شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس، باید از جمهوری اسلامی نام برد که به ویژه در دوره اخیر به حماس کمک‌های مالی زیادی رسانده است. از نیات اصلی این حامیان تضعیف ساف است.

به نظر می‌رسد در ماه‌های اخیر نفوذ ایدئولوژی و سیاست بنیادگرایی ستنیزه‌جو بر سیاست‌های حماس تشدید شده است. امری که احتمالا نتیجه افزایش کمک‌های تهران است. حماس اینک رسماً می‌گوید که باید اسرائیل را از میان برد، و این موضع رادیکال، هرچه دولت اسرائیل در مذاکرات صلح سرسختی بیشتری نشان دهد، طرفداران بیشتری می‌یابد. هرچند حماس و ساف اتحاد عمل دارند، اما حمله به هرفات بخشی از تبلیغات روزمره حماس است. تلاش برای اقدام حماس در ساف تاکنون چندبار به شکست انجامیده است. به نظر می‌رسد حماس به بخش لاینک واقعیت سیاسی فلسطین تبدیل شده است. بخشی که تجاوزگری اسرائیل بر نفوذ و نقش آن می‌افزاید.

## دشواری‌های سوئیس در راه پیوستن به جامعه مشترک اروپا

ادامه از صفحه ۱۲  
کشورشان به اتحادیه اقتصادی اروپا رای مخالف دادند. با ورود هر کشور به اتحادیه اقتصادی اروپا ۷۵٪ مسئله ورود به بازار مشترک حل شده است. گرچه این همه پرسشی از نظر کلی با همه‌پرسی‌های سایر کشورهای اروپایی غربی (فرانسه و ایالات متحده) که مردم به قرارداد ماستریخت رای منفی دادند تفاوت چندانی نداشت، لیکن در سوئیس جنبه‌ای ملی و بسیار حساس بخود گرفته بود. سوئیس کنفدراسیونی است از ۴ بخش و ۲۲ کانتون (ایالت) با ۴ فرهنگ و زبان مختلف که عبارتند از زبانهای آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی و رومانس. آلمانی زبانهای سوئیس بخش اصلی جمعیت را تشکیل میدهند و در هرصه اقتصادی نیز سهم همدهای دارند. از چهار بخش سوئیس تنها بخش فرانسوی نشین به اتحادیه اقتصادی اروپا آری گشت، سه بخش دیگر نظری مخالف داشتند. شرکت بیش از ۸۰٪ واجدین شرایط در همه پرسشی از حساسیت مردم نسبت به آتیه کشورشان حکایت داشت. به لحاظ جغرافیایی همه کانتون‌های حاشیه‌ای (مرزی) بجز

بعضی ایتالیایی زبان به ورود سوئیس به اتحادیه اقتصادی اروپا رای مثبت دادند. کانتون‌های مرکزی اما با این پیوستن مخالفت کردند. همچنین میزان مخالفت در شهرها پائین تر از روستاها و مناطق عقب افتاده بود. مخالفت کشاورزان با پیوستن سوئیس به اتحادیه اقتصادی اروپا نمود بارزی داشت، زیرا از حذف سوئیس دولت به محصولانشان واصله داشتند. عوامل متعددی در دادن رای منفی نقش بازی کردند. بخش آلمانی زبان که به کشور آلمان نزدیک است و اومه زیادی از این کشور دارد. برخی بروکسل، مرکز جامعه مشترک اروپا را با برلین هیتلری مقایسه می‌کنند. عامل دیگر ترس از دست رفتن استقلال سوئیس یا به عبارتی ترس از کم شدن نقش دولت در تعیین سیاست خارجی و نقض بیطرفی کشور بوده است. عواملی همچون ترس از درهای باز و "هجوم خارجی‌ها" و نیز کندی و تاخیر دولت در توضیح و تبیین ضرورت ورود به جامعه مشترک نیز در نه گفتن مردم به عضویت در اتحادیه اقتصادی اروپا دخیل بوده‌اند.

## سو سوی امید در خاور میانه

برای اولین بار پیامی تلفنی خطاب به مردم اسرائیل ارسال داشت. تلویزیون دولتی اسرائیل برای پخش پیام عرفات برنامه هادی خود را قطع کرد. او به اسحاق رابین پیشنهاد انجام یک دیدار را ارائه کرد. وی گفت چنین دیداری برای نسل آتی سنگ بنای صلح خواهد بود.

رابین پیشنهاد عرفات مبتنی بر انجام یک دیدار را رد کرد. یک سخنگوی رابین گفت، اسرائیل نه با ساف که با نمایندگان مناطق اشغالی مذاکره می‌کند و هیچ نقش برای ساف در مذاکرات صلح واشنگتن قائل نیست.

روز سه‌شنبه ۲۹ دی (۱۹ ژانویه) پارلمان اسرائیل منحه‌یت رابطه اتباع اسرائیل با سازمان آزادیبخش فلسطین را لغو کرد. لغو این مصوبه که در سال ۱۹۸۶ به تصویب رسیده بود، مورد استقبال رهبران ساف قرار گرفت. آنان ضمن استقبال از اقدام اخیر پارلمان اسرائیل، هدم انصاف اسرائیل در مورد لغو قرار تصدی بیش از ۴۰۰ فلسطینی وابسته به سازمان حماس از خاک اسرائیل را مورد انتقاد قرار دادند.

در ادامه این استقبال، روز پنجشنبه اول بهمن ماه (۲۱ ژانویه) یاسر عرفات، رهبر ساف

## بیم و امید در چشم انداز تحولات بالکان

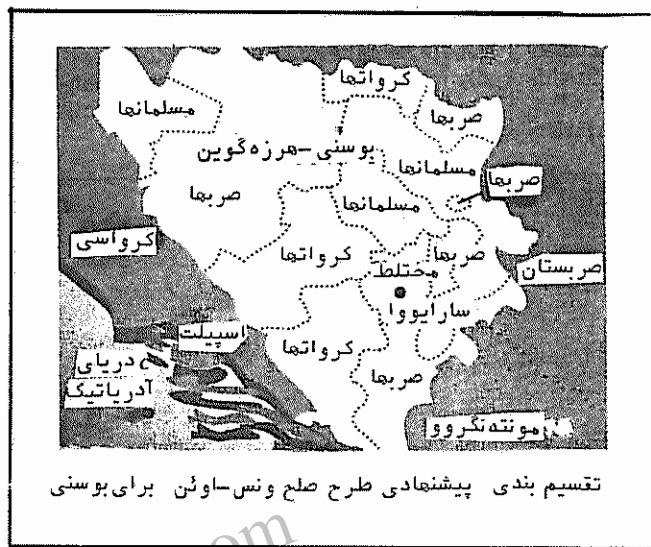
خود باقی است. این مخالفت‌ها با چنین استدلال‌هایی صورت می‌گیرد: \* ناپودی نیروی هوایی صرب‌ها تاثیر چندانی در روال جنگ نخواهد داشت زیرا جنگ بوسنی بیشتر با خمپاره‌اندازهای سیار صورت می‌گیرد. \* مداخله نظامی موثر در بالکان مستلزم اعزام نیرویی خواهد بود که شمار افراد آن بین ۴۰۰ هزار تا یک میلیون نفر برآورد می‌شود. ژنرال موریون

یکدیگر و هم غالباً از مرزهای صربستان فاصله دارند. استانی که ساریوو در آن قرار خواهد داشت، تحت اداره مشترک سه ملیت ساکن بوسنی-هرزگه‌وین خواهد بود. موافقت کروات‌ها با طرح صلح باعث آن شد که هم‌ده تلاش‌های میانجی‌ها صرف قبولاندن طرح به مسلمانان و صرب‌ها شود. دولت عزت بیگویچ رئیس‌جمهور مسلمانان بوسنی-هرزگه‌وین هلیرفم تاکید بر دعوای بیشتر

روز دوازدهم ژانویه، هنگامی که یک دور از مذاکرات کنفرانس بالکان در ژنو به پایان رسید، طرف چند ساعت بیم و امید به آینده تحولات، درهم آمیخت. دیوید اوئن نماینده جامعه اروپا در کنفرانس و یکی از دو میانجی اصلی در پاسخ به پرسش خبرنگاران، اعلام کرد رادووان کاراجیچ رهبر صرب‌های بوسنی، طرح صلح ونس-اوئن را رد کرده است. اما از این خبر نگران کننده هنوز سه ساعت گذشته بود که بیانیه‌ای مطبوعاتی از سوی کاراجیچ انتشار یافت. در این بیانیه، نماینده صرب‌های جمهوری بوسنی-هرزگه‌وین خاطر نشان کرد اگر پارلمان صرب‌های این جمهوری طرح صلح را بپذیرد، وی با این طرح مخالفتی نخواهد داشت. بدین ترتیب، چشم جهانیان به تصمیم‌گیری پارلمان صرب‌های بوسنی در نوزدهم ژانویه دوخته شد.

طرح صلحی که از سوی اوئن و ساریوو ونس نماینده دبیرکل سازمان ملل تدوین شده است، یک سند ۲۰ صفحه‌ای متشکل از سه بخش است: طرح قانون اساسی برای یک دولت غیر متمرکز در بوسنی، نقشه‌ای از ده استان که در هر یک از آنها اکثریت صرب، کروات یا مسلمان دولت مقتدر محلی را تشکیل خواهد داد، و قرارداد برای آتش بس و جدا سازی نیروهای مسلح. طرح ونس و اوئن پیش‌بینی می‌کند وحدت دولت بوسنی و تمامیت آن در مرزهای کنونی اش حفظ شود. در مقابل، صرب‌های بوسنی تاکنون همواره بر خواست تشکیل یک دولت مستقل پانشاری می‌کردند. هر چند ونس و اوئن با این خواست مخالفتند، اما کوشیده‌اند با قائل شدن خصلت غیر متمرکز برای دولت آتی بوسنی، موافقت صرب‌ها و کروات‌ها را با دولت واحد جلب کنند. برخی مخالفان طرح صلح می‌گویند این طرح به صرب‌ها امتیازات ارضی داده است. در مقابل، دیوید اوئن چنین استدلال می‌کند که پذیرش طرح صلح از سوی صرب‌ها به این معنی خواهد بود که آنها با عقب نشینی از حدود یک چهارم خاکی که اکنون تحت کنترل دارند، موافقت کنند. اوئن می‌افزاید بدیهی است که مسلمانان این مقدار عقب نشینی را کافی نمی‌دانند، اما تاکید می‌کند که در مذاکره، باید همواره سازش‌های حقیقی پذیرا هدف قرار داد. وزیر خارجه پیشین بریتانیا می‌گوید: "صرب‌ها این جنگ را بناخته‌اند. به من مودی را در تاریخ نشان دهید که از طریق مذاکره این میزان از عقب نشینی تحقق یابد."

نخستین طرفی که با طرح صلح موافقت کرد، کروات‌ها بودند. این امر تعجب‌آور نیست. نگاهی به نقشه پیشنهادی ونس و اوئن نشان می‌دهد سه استان تحت کنترل کروات‌ها همچوار جمهوری کرواسی‌اند. دو استان کروات منطقه بزرگی در غرب هرزگه‌وین را تشکیل می‌دهند، در حالیکه سه استان صرب هم از



تقسیم بندی پیشنهادی طرح صلح ونس-اوئن برای بوسنی

معاون فرمانده نیروهای سازمان ملل در یوگسلاوی تعداد تلفات نیروهای مداخله‌گر را تا صد هزار تن تخمین می‌زند. چنین مداخله‌ای بدون شرکت ایالات متحده غیر ممکن خواهد بود. \* پس از مداخله نظامی نیز باید طرح صلحی ارائه شود که از سوی همه طرف‌های جنگ بالکان پذیرفته شود. دخالت نظامی قطعاً احتمال پذیرش طرحی از سوی همه را افزایش نخواهد داد.

یکی از رهبران حزب سوسیال دمکرات آلمان در مقاله‌ای که اخیراً در هفته‌نامه "دی تسایت" به چاپ رسیده، سیاست چند سال اخیر جامعه اروپا و به ویژه آلمان در قبال یوگسلاوی را مورد انتقاد قرار داده و می‌نویسد: "ایده تبدیل مرزهای داخلی بین ایالات وابسته به یکدیگر، مرزهایی که غالباً بطور تصادفی و بدون فکر کشیده شده‌اند، به مرزهای بین دولت‌های ملی با حکومت‌های برآمده از اکثریت، ضرورتاً می‌بایستی به جنگ می‌انجامید... ایده واحد بالکان، ریشه‌های عمیق دارد... در قرار داد ۱۸۵۰ وین پیرامون زبان‌های مکتوب، اسلوونی‌ها و کروات‌ها و صرب‌ها تاکید کردند که به یک زبان سخن می‌گویند. هرمان وندل نماینده سوسیال دمکرات رایشستاگ که بهترین کارشناس اروپای جنوب شرقی در تاریخ سیاست آلمان است، می‌گوید اگر یوگسلاوها یک ملت نباشند، آلمانی‌ها هم یک ملت نیستند. به نظر می‌رسد این گونه افکار کهنه شده‌اند. اما همه می‌دانستند که هشتصد هزار صرب در منطقه کربین کرواسی، در اسلاوونی و نیز در کرائینا و ۱/۳ میلیون صرب در بوسنی هرگز موقعیت اقلیت در یک دولت

ارضی، ترجیح داد به عنوان طرفی که باعث شکست مذاکرات شده، شناخته نشود و موافقت اصولی خود را با طرح اعلام کرد. بدین ترتیب، همه نگاه‌ها متوجه صرب‌ها شد: آیا صرب‌های بوسنی از هدف جنگی خود یعنی اقدام مناطق صرب نشین بوسنی در جمهوری صربستان دست خواهند کشید و یک دولت فدرال را خواهند پذیرفت؟ پاسخ به این پرسش با توجه به میزان نفوذ نیروهای افراطی در میان صرب‌های بوسنی دشوار است. یک دیپلمات ساکن بلگراد، موقعیت کاراجیچ نماینده صرب‌های بوسنی در کنفرانس ژنو را چنین توضیح می‌دهد: "اگر در ژنو برای او دست بزنند، در سرزمین خودش دارش خواهند زد. چنانچه در ژنو محکومش کنند، صرب‌های بوسنی او را خواهند پرستید." ناظران چرخش کاراجیچ به سمت پذیرش طرح صلح را ناشی از اعمال فشار سلو بودان میلوشویچ رئیس‌جمهور صربستان می‌دانند که به ژنو آمد تا به گفته خودش "حسن نیت صربستان" را نشان دهد. کاراجیچ تحت فشار میلوشویچ و دیویدکا چویچ رئیس‌جمهور فدراسیون یوگسلاوی که او نیز از بلگراد به ژنو آمده بود، از مقاومت در برابر طرح ونس-اوئن دست کشید و تصمیم‌گیری را به پارلمان صرب‌های بوسنی واگذار کرد. این ژست سیاسی کاراجیچ در حقیقت به معنی نوعی سلب مسئولیت از خود بود.

در مطبوعات غرب می‌نویسند که شکست طرح ونس-اوئن به مداخله نظامی غرب در بوسنی خواهد انجامید. با این حال، مقاومت‌های سیاستمداران غربی در برابر مداخله جویی در بالکان به قوت

## اریش هونکر آزاد شد

میلیون مارک کمک مالی جمع‌آوری کند. سازمان آزادیبخش فلسطین از منابع اصلی این کمک‌ها بود.

هر چند وضعیت وخیم سلامتی هونکر، علت قطع محاکمه او اعلام شده است، اما به نظر می‌رسد قضات دیوان عالی برلین نیز به همان نتیجه‌ای رسیده‌اند که هر هفتاد سلیم از ماه‌ها پیش نمی‌توانست به قیام آن برسد: محاکمه هونکر یک محاکمه سیاسی بود و از این رو، در صورت ادامه خود به حیثیت آلمان به عنوان یک کشور مدعی رعایت حقوق بشر، لطمه‌ای اساسی می‌زد. هر چند برای هونکر کیفرخواستی تنظیم شده بود تا محاکمه قالب حقوقی بخود بگیرد، اما کیست که ندانند اگر قرار باشد رهبران یک کشور به خاطر اعمال قهر مرزبانان آن در جلوگیری از عبور غیر قانونی از مرزهای به رسمیت شناخته شده بین‌المللی محکوم شوند، کمتر رئیس‌جمهور و رئیس‌دولتی است که مشمول این محکومیت نشود.

قضات دیوان عالی برلین، ادامه محاکمه اریش هونکر به اتهام داشتن مسئولیت در مرگ افرادی که حین عبور غیر قانونی از مرز آلمان شرقی و غربی کشته شدند را مغایر با حقوق بشر اعلام کردند. در حکمی که به آزادی هونکر از زندان برلین منجر شد، آمده است که هونکر به علت ابتلا به سرطان کبد پیش از پایان محاکمه در خواست گذشت و در چنین شرایطی، ادامه محاکمه نقض اصل مصونیت جان و حیثیت انسانهاست.

هونکر پس از صدور این حکم از زندان آزاد شد و بلافاصله به شیلی نزد خانواده خود رفت. در شیلی از رهبر سابق آلمان شرقی استقبال گرمی به عمل آمد زیرا هنگام حکومت پینوشه، هزاران تن از مخالفان دیکتاتوری شیلی در جمهوری دمکراتیک آلمان پذیرفته شدند. هزینه سفر هونکر به شیلی از سوی "کمیته هبستگنی با هونکر" پرداخته شد. این کمیته توانست در طول محاکمه اریش هونکر حدود نیم



## دشواری‌های سوئیس در راه پیوستن به جامعه مشترک اروپا

کشورهای عضو شامل می‌شود. در اتریش، سوئد و نروژ رای مثبت پارلمانها پشتوانه ورود به جامعه مشترک اروپا قرار گرفته است. اما در سوئیس اواخر سال گذشته مسیحی از مردم خواسته شد که در این باره نظر دهند، نتیجه این نظر خواهی نشان داد که اکثریت اهالی سوئیس مخالف پیوستن کشورشان به اتحادیه اقتصادی اروپا (بخش اقتصادی جامعه مشترک) می‌باشند. در باره چگونگی همه‌پرسی و کیفیت آرا مردم در سوئیس یکی از دوستان نشریه مطلبی فرستاده است که چکیده آن بشرح زیر است:

در کنفرانس سران کشورهای عضو جامعه مشترک اروپا که اواخر سال گذشته در ادنبرگ انگلستان برگزار شد، مقرر گردید که با ۴ کشور اروپایی خواستار ورود به جامعه مشترک تماسها و مذاکراتی انجام گیرد و تا سال ۹۵ زمینه ورود آنها به این جامعه فراهم شود. این چهار کشور عبارتند از: نروژ، سوئیس، اتریش و سوئد یکی از شرایط پیوستن به جامعه مشترک اروپا قبول بی چون و چرای پیمان ماستریخت می‌باشد. این پیمان برداشتن مرزهای تجاری، گمرکی، مالی و حمل و نقل در اروپا، یکسان شدن قوانین و مقررات مربوط به روابط کاری و تامین اجتماعی، ایجاد یک بانک مرکزی اروپایی و رواج واحد پول اروپایی (اکو) در

در همه پرسشی که روز ۲۰ دسامبر ۱۹۹۲ برگزار شد، ۵۰٪ مردم سوئیس به ورود ادامه در صفحه ۱۱